

مجموعه نصوص درباره

امر بهائی و هنر

جمع آوری توسط دارالتحقیق بیت العدل اعظم

۱- تحصیل هنرها:

گزیده‌ای از آثار جمال قدم جل اسمه الاعظم ۱

۲- تحصیل هنرها: (ادامه قسمت اول)

گزیده‌ای از آثار حضرت عبدالبهاء ۵

گزیده‌ای از خطابات حضرت عبدالبهاء ۱۲

گزیده‌ای از پیام مرقومه از جانب بیت العدل اعظم

خطاب به یکی از احباء ۱۳

۳- منشاء هنر

گزیده‌ای از آثار حضرت بهاء‌الله ۱۴

گزیده‌ای از مکاتیب و خطابات حضرت عبدالبهاء ۱۵

گزیده‌ای از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء ۱۷

گزیده تلگرامی از حضرت ولی امرالله ۱۸

مؤخره‌ای بر دستنوشته حضرت ولی امرالله

خطاب به یکی از احباء ۱۸

۴- تحولات آینده هنر

مؤخره‌ای بر دستنوشته حضرت ولی امرالله در مرقومه‌ای

از طرف ایشان خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه ۲۰

گزیده‌ای از نامه‌های مرقومه از طرف حضرت ولی امرالله ۲۰

گزیده‌ای از پیام‌های بیت العدل اعظم الهی ۲۵

گزیده‌ای از پیام‌های مرقومه از جانب بیت العدل اعظم ۲۷

۵- رهنمودهایی برای هنرمندان بهائی

گزیده‌ای از آثار حضرت بهاءالله ۳۱

گزیده‌ای از رقائم حضرت ولی امرالله ۳۱

گزیده‌ای از نامه‌های مرقومه از جانب حضرت ولی امرالله ۳۲

گزیده‌ای از پیام‌های بیت العدل اعظم ۳۴

گزیده‌ای از پیام‌های مرقوم از جانب بیت العدل اعظم ۳۷

۶- هنر و معماری

گزیده از آثار حضرت بهاءالله ۴۸

گزیده از مکاتیب و خطابات حضرت عبدالبهاء ۴۸

گزیده از نامه‌های مرقومه از جانب حضرت ولی امرالله ۵۰

گزیده‌ای از پیام‌های بیت العدل اعظم ۵۴

گزیده‌ای از پیام‌هایی که از جانب بیت العدل اعظم صادر شده ۵۶

۷- هنر و صنعت

آثار حضرت بهاءالله ۵۷

آثار حضرت عبدالبهاء ۶۰

مکاتیب مرقومه از جانب حضرت ولی امرالله ۶۴

۸- حرف

هنرمندان و نگارگران ۶۷

صنعتگران ۶۸

پزشکان ۶۹

بازرگانان ۶۹

موسیقی دانان ۷۰

حاکمان ۷۱

معلمان ۷۲

۹- اهمیت هنرها در ترویج امرالله

پیام دارالانشاء بیت العدل اعظم ۷۳

آثار حضرت بهاءالله ۷۵

آثار حضرت عبدالبهاء ۷۷

از بیانات و خطابات حضرت عبدالبهاء ۸۳

آثار حضرت ولی امرالله ۸۵

از مکاتیب مرقومه از جانب حضرت ولی امرالله ۸۶

پیام‌های صادره از معهداعلی یا مرقومه از جانب

بیت العدل اعظم ۹۷

۱- تحصیل هنرها (قسمت اول)

□ گزیده‌ای از آثار جمال قدم جل اسمه الاعظم

"سب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود، تحصیلش بر کل لازم. ولکن علمی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که به حرف ابتداء شود و به حرف منتهی گردد. صاحبان علوم و صنایع را حق عظیم است بر اهل عالم..."

... فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان، علم است و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط. طوبی لمن تمسک به و ویل للغافلین."

لوح ابن ذئب صفحات ۲۰ و ۲۱

(به نقل از تجلی سوم از لوح تجلیات)

"ای بندگان من شما اشجار رضوان منید، باید به اثمار بدیعه منیعه ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند. لذا بر کل لازم که به صنایع و اکتساب مشغول گردند. اینست اسباب غنا یا اولی الالباب و ان الامور معلقة باسبابها و فضل الله یغنیکم بها. اشجار بی ثمار لایق نار بوده و خواهد بود."

کلمات مکتونه فارسی، ادعیه حضرت محبوب صفحه ۴۷۳

"طراز پنجم در حفظ و صیانت مقامات عبادالله است. باید در امور اغماض نکنند به حق و صدق تکلم کنند. اهل بهاء باید اجر احدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند و به مثابه حزب قبل لسان را به بدگوئی نیالایند."

"امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آن جهت جاری. باید به انصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست لعمرالله کلمه انصاف به مثابه آفتاب روشن و منیر است از حق می طیبیم کل را به انوارش متور فرماید."

اشراقات صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴

"باید اول هر امری آخر آن ملاحظه شود و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است، اطفال به آن مشغول گردند تا رائحه فساد از عالم قطع شود و کلّ به همت اولیای دولت و ملت در مهده امن و امان مستریح مشاهده شوند. حضرت موجود می فرماید: علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن منتفع گردند."

لوح مقصود، دریای دانش، صفحات ۲۱ و ۲۲

"طوبی از برای نفوسی که به افق اعلی ناظرند و به امر مالک اسماء عامل و طوبی از برای نفسی که در ایام الهی به صنعت یدی مشغول است. هذّه موهبة من الله چه که در این ظهور اعظم اشتغال به امری که انسان را از انتظار

منع نماید لدی الله مقبول است. صنع هر صانعی از عبادت محسوب شد."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"مقصود از علم منفعت عباد است و آن صنایع بوده و هست. لازال فرموده و می فرمایند قدر اهل صنایع را بدانید چه که سبب و علت تسهیلات امور شده اند. اساس دین به شریعة الله محکم و اساس معاش به اهل صنایع. مقصود از علم علمی است که منفعت آن عاید خلق شود نه علمی که سبب کبر و غرور و نهب و ظلم و ستم و غارت گردد."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۵

"یک اسم از اسماء الهی صانع است و صنعت را بسیار دوست داشته و می دارد. لذا هر یک از عباد مظهر این اسم واقع شود لدی المظلوم محبوب است و صناعت دفتری است از دفاتر علوم الهی و کنزی است از خزائن حکمت ربّانی و این علمی است با معنی، چه که بعضی از علوم از لفظ ظاهر و به لفظ منتهی و راجع."

(پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴)

"انشاء الله در تحسین کمالات و همچنین در تحصیل صنعت جهد بلیغ مبذول دارند."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"حق جلّ جلاله دوست داشته که صنایع مرغوبه از اجبای خود مشاهده نماید. طوبی لک بما حضر ما صنَعْتَهُ تَلْقَاءُ وَجْهِ رَبِّكَ الْمَظْلُومِ الْغَرِيبِ. انشاء الله هر یک از اجبای موفق شوند به اظهار صنعتی از صنایع و مؤید شوند بما امروا به فی کتاب الله العزیز الحکیم."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"ولکن چون حق جل جلاله هر صنعتی اکمل آن را دوست داشته. لذا از قلم اعلی جاری شد آنچه شد."

مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۳

۲- تحصیل هنرها (ادامه قسمت اول)

□ گزیده‌ای از آثار حضرت عبدالبهاء

"هر چند تحصیل فنون و علوم اعظم منقبت عالم انسانی است ولی به شرط آن که این نهر متصل به بحر اعظم شود و از فیض قدم استفاضه کند. چون چنین شود هر استاد بحرایی پایان گردد و هر تلمیذ ینبوع علم و عرفان شود. پس اگر علوم دلیل بر جمال معلوم شود فینعم المأمول و الا شاید این قطره سبب گردد و از فیض موفور محروم شود. وی را تکبر و غرور آرد و قصور و فتور بخشد."

منتخبانی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۰۷

جزوه تحقیق و تتبع ص ۳۱، پاراگراف ۲۴

راهنمای جوانان ص ۴

"دقت نمایند که چگونه معارف و تمدن سبب عزت و سعادت و حریت و آزادی حکومت و ملت می شود."

"رساله مدنی، ص ۱۳۲-۱۳۱"

"این است که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری. یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش

علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد رب غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند." مکانیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۳۳

"هُوَ اللَّهُ اللَّهُمَّ يَا مَنْ تَجَلَّى عَلَى الْحَقَائِقِ النُّورَاءِ بِتَجَلِّي الْعِلْمِ وَ الْهُدَى وَ مَيَّرَهَا عَنْ سَائِرِ الْكَائِنَاتِ. بِهِذِهِ الْمَوْهَبَةُ الْعُظْمَى وَ جَعَلَهَا مُحِيطَةً عَلَى كُلِّ الْأَشْيَاءِ تَدْرِكُ حَقَائِقِ الْمَوْجُودَاتِ وَ تُخْرِجُ الْأَسْرَارَ الْمَكْنُونَةَ مِنْ حَيِّزِ الْغَيْبِ إِلَى عَالَمِ الْأَثَارِ وَ يَحْتَضِرُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ. رَبِّ أَيْدِ احْبَابِكَ عَلَى تَحْصِيلِ الْعُلُومِ وَ الْفُنُونِ السَّنَنِ وَ الْإِطْلَاعِ عَلَى الْأَسْرَارِ الْمَخْرُوجَةِ فِي حَقِيقَةِ الْكَائِنَاتِ وَ أَطْلَعَهُمْ عَلَى الرُّمُوزِ الْمُنْدَمِجَةِ الْمُنْدَرَجَةِ فِي هُوِيَةِ الْمَوْجُودَاتِ وَ اجْعَلْهُمْ آيَاتِ الْهُدَى بَيْنَ الْأُورَى وَ أَنْوَارِ الْنَهْيِ الْمَتَلَثِّلَةِ فِي هَذِهِ النَّشَاءِ الْأُولَى وَ اجْعَلْهُمْ أَوْلَاءَ عَلَيْكَ هُدَاةً إِلَى سَبِيلِكَ، سُعَاةً إِلَى مَلَكُوتِكَ. إِنَّكَ أَنْتَ الْمُتَقَدِّرُ الْمُهَيِّمُنُ الْعَزِيزُ الْقَوِيُّ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ.

اِيَّهَا الْحَزْبُ الْإِلَهِيُّ. قدرت قدیمه هر یک از کائنات و انواع موجودات را به مرتبی و منقبتی و کمالی مخصص فرمود تا در رتبه خود آیات داله بر علو و سمو مرتبی حقیقی گردند و هر یک به منزله مرآت صافیه از فیض و تجلی شمس حقیقت حکایت نمایند. انسان را از بین کائنات به موهبت کبری مخصص فرمود و به فیض ملاء اعلی فائز کرد و آن موهبت کبری، هدایت عظمی است که حقیقت انسانیه مشکاة این مصباح گردد و اشعه ساطعة این سراج چون بر زجاج قلب زند از لطافت قلب سطوع انوار اشداد بابد و بر عقول و نفوس تجلی نماید و هدایت کبری، مشروط و منوط به علم و دانائی و

اطلاع بر اسرار کلمات ربانی است. لِهَذَا بَايِدُ بَارَانَ الْهَيِّ صَغِيرًا وَ كَبِيرًا رَجَالًا وَ نِسَاءً بِقَدْرِ امْكَانِ دَرِ تَحْصِيلِ عُلُومِ وَ مَعَارِفِ وَ تَرْيِيدِ اِطْلَاعِ بَرِ اسْرَارِ كُتُبِ مَقْدَّسَه وَ مَلَكَه دَرِ اِقَامَه دَلَائِلِ وَ بَرَاهِينِ الْهَيِّ نَمَايَنْد.

حضرت صدرالصدور الفَائِزُ بِالْمَقَامِ الْأَعْلَى فِي عَالَمِ الْأَشْرُورِ، رُوحُ الْمُفَرِّقِينَ لَهُ أَلْفِدَا تَأْسِيسِ مَحْفَلِ تَعْلِيمِ نَمُودَنْد وَ اِيْشَانِ أَوَّلِ شَخْصِ مَبَارَكِي هَسْتَنْدِ كِه اَسَاسِ اِيْنِ اَمْرِ عَظِيمِ نِهَادَنْد. الْحَمْدُ لِلَّهِ دَرِ اِيْتَامِ خُوِيْشِ نَفُوسِي رَا تَرْبِيْتِ نَمُودَنْدِ كِه اَلْيَوْمِ دَرِ نِهَائِتِ فَصَاحْتِ وَ بِلَاغْتِ مَقْتَدِرِ بَرِ اِقَامَه اِدْلَه وَ بَرَاهِينِ الْهَيِّ هَسْتَنْدِ وَ فِي الْحَقِيقَه اِيْنِ تَلَامِذَه سَلَالَه طَاهِرَه رُوحَانِيَه اَنْ مَقْرَبِ دَرِگَاهِ كَبِيْرِيَا هَسْتَنْدِ وَ بَعْدِ اَزْ صُعُودِ اِيْشَانِ بَعْضِي اَزْ نَفُوسِ مَبَارَكَه اَقْدَامِ دَرِ اِبْقَاءِ تَعْلِيمِ وَ تَعَلُّمِ فَرْمُودَنْدِ وَ اِيْنِ مَسْجُونِ اَزْ اِيْنِ خَبِرِي نِهَائِتِ مَسْرُورِ شَدْ. حَالِ نِيْزِ دَرِ نِهَائِتِ تَأْكِيدِ رَجَاءِ اَزْ احْبَائِ الْهَيِّ مِي نَمَايْمِ كِه بِقَدْرِ امْكَانِ بَكُوشَنْدِ وَ دَرِ تَوْسِيْعِ دَائِرَه تَعْلِيمِ اَنْچَه بِيْشْتَرِ كُوشَنْدِ خُوشْتَرِ وَ شِيْرِيْنِ تَرِ كَرْدَدْ. حَتَّى احْبَائِ الْهَيِّ چَه صَغِيْرِ وَ چَه كَبِيْرِ وَ چَه ذَكَوْرِ وَ چَه اِنَاثِ هَرِ يَكِ بَه قَدْرِ امْكَانِ دَرِ تَحْصِيْلِ عُلُومِ وَ مَعَارِفِ وَ فُنُونِ مَتَعَارِفِ، چَه رُوحَانِيِ چَه امْكَانِي بَكُوشَنْدِ وَ دَرِ اَوْقَاتِ اجْتِمَاعِ، مَذَاكَرَه كَلِّ دَرِ مَسَائِلِ عِلْمِيَه وَ اِطْلَاعِ بَرِ عُلُومِ وَ مَعَارِفِ عَصْرِيَه بَاشَدْ. اِگَرِ چُنِيْنِ كَرْدَدْ بَه نُوْرِ مَبِيْنِ اَفَاقِ رُوشَنْ شُودِ وَ صَفْحَه غَيْرَا كَلْشَنْ مَلَكُوتِ اِبْهِي كَرْدَدْ." مکانیب عبدالبهاء، ج ۱۱، ص ۲۳۱-۲۲۹

"هر نفسی باید کار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیلی شود و مانند علت کابوس مستولی

گردد.

گنجینه حدود و احکام، ص ۷۵

"در خصوص ملاقات با... چون نوشته است تو را تعلیم صنعت خواهد و محبت و دارائی نماید از خدا خواهیم که این مقصد حاصل گردد، شما صنعتی تعلیم گیرید زیرا به او امر الهیه هر نفسی باید صنعتی آموزد.

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۶

"هر روز از صبح تا ظهر درس بخواند تا خواندن و نوشتن آموزد و از ظهر تا قریب غروب به تحصیل صنعت مشغول گردد. اطفال را باید هم خواندن آموخت و هم صنعت.

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۶

"ای بنده حق. بدایع صنایع در این دور جامع از عبادت جمال لامع شمرده گشته. ملاحظه فرما که چه عنایت است و چه موهبت که صنعت عبادت است. پیشینیان گمان می نمودند که صنعت غفلت است بلکه آفت است و مانع از قرب حضرت احدیت. حال ملاحظه فرما که رحمت کبری و موهبت عظمی چگونه جحیم را جنت نعیم کرد و گلخن ظلمانی را گلشن نورانی نمود. اهل صنعت باید هر دم صد هزار شکرانیت به عتبه مقدسه اظهار دارند و در صنایع خویش نهایت همت و دقت را مجری نمایند تا ابداع صنعت در نهایت لطافت و ظرافت در معرض عمومی عالم جلوه نماید."

منتخباتی از مکاتیب ش ۱۲۷، ص ۱۴۱

"ای نورسیدگان بهائیان و طالبان علم و عرفان. انسان را امتیاز از حیوان به چند چیز است. اول، صورت رحمانیت و مثال نورانیت. چنانچه در تورات می فرماید: *لَتَعْمَلَنَّ إِنْسَانًا عَلٰی صُورَتِنَا وَ مِثَالِنَا*. این صورت رحمانیت عبارت از جمعیت صفات کمالیه است که انوارش از شمس حقیقت جلوه بر حقائق انسانیه نماید و از اعظم صفات کمالیه علم و دانائی است. پس باید شب و روز بکوشید و سعی بلیغ مبذول دارید و آرام نگیرید تا از جمیع علوم و فنون نصیب موفور یابید و صورت رحمانیت از شمس حقیقت تجلی بر مریای عقول و نفوس نماید."

منتخباتی از مکاتیب عبدالیهاء، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۶

"اطفال را از صغر سن به تحصیل هر علمی تشویق کنید و به اکتساب هر صنعتی تحریض نمائید تا قلب هر یک به عون و عنایت حق مانند آئینه کاشف اسرار کائنات گردد و به حقیقت هر شیئی پی برد و در علوم و معارف و صنایع مشهور آفاق شود."

مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۱ و ۴۲

"پس ای احبای الهی. جهد بلیغ نمائید تا شما مظهر این ترقیات و تأییدات گردید و مرکز سنوحات رحمانیه شوید و مشرق انوار احدیت گردید و مروج مواهب مدنیّت شوید، و در آن کشور رهبر کمالات انسانیت گردید. ترویج علوم و معارف نمایید و در ترقی بدایع و صنایع کوشید. تعدیل اخلاق نمایید و به خلق و خوی سبقت بر آفاق جوئید و اطفال را از سن شیرخواری از ثدی

ربّ مجید و متذکر به ذکر اسم ابھایش باشید. آنگاه باید فتی را که در آن به تحصیل مشغولید به کمال برسانید." (ترجمه)

مجموعه الواح حضرت عبدالہاء جلد ۲، صفحات ۴۴۸-۴۴۹

(شیکاگو، لجنة نشر آثار امری، چاپ ۱۹۳۰)

□ گزیده‌ای از خطابات حضرت عبدالہاء

"کلیه برکات منشاء الہی دارد اما هیچیک از آنها قابل قیاس با قدرت تحقیق و تدبّر نیست. موهبتی اعظم از آن تصوّر نتوان نمود و ثمرات جنیّہ اش را انتہائی نبوده و نخواهد بود. جمیع بشر منتعم از این ثمرات اند و سایر نعمات موقت است اما این غنای ابدی است. حتی سلطنت پایدار نمی ماند و ساقط می گردد، اما ثمرات تحقیق و تدبّر یک سلطنت دائمی و ابدی است هیچگاه تغییر نمی یابد و از بین نمی رود. مختصر، این موهبت باقی و این عنایت مستمر و این فضل بی منتهاست. موهبت عظیم خدا برای بشر است پس باید در اکتساب علوم و انواع هنر نهایت سعی و کوشش و جدّ و جهد مبذول دارید. بکوشید تا بیش از پیش به مقاصد عالیہ متعالیہ پی برید."

نقل ترجمه از جزوہ تحقیق و تتبع (گردآوری دارالتحقیق بیت العدل

اعظم فوریه ۱۹۹۵)، ص ۶-۷

□ گزیده‌ای از پیام مرقومہ از قبل بیت العدل اعظم خطاب به یکی

از احباء

"اما در مورد نقاشی؛ فقرات عالی بسیاری در آثار مبارکہ وجود دارد کہ نقش هنرمند را توصیف می کند و ابعاد اجتماعی و روحانی هنرها را توضیح می دهد. شاید با مطالعه آنها به کشف سرچشمه های جدید انگیزه و شہامت در درون خود نائل آئید." (ترجمه)

۲۰ اوت ۱۹۹۰

۳- منشاء هنر

□ گزیده‌ای از آثار حضرت بهاء‌الله

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

"آفتاب حقیقی، کلمه الهی است که تربیت اهل دیار معانی و بیان، منوط به اوست و اوست روح حقیقی و ماء معنوی که حیات کل شیء از مدد و عنایت او بوده و خواهد بود و تجلی او در هر مرآتیی به لون او ظاهر. مثلاً در مرایای قلوب حکماء تجلی فرمود، حکمت ظاهر شد و همچنین در مرایای افتده عارفین تجلی فرموده بدایع عرفان و حقایق نبیان ظاهر شده.

دریای دانش، ص ۱۰۳

"دانائی از نعمت‌های بزرگ الهی است، تحصیل آن بر کل لازم. این صنایع مشهوده و اسباب موجوده از نتایج علم و حکمت اوست که از قلم اعلی در زبر و الواح نازل شده. قلم اعلی آن قلمی است که لثالی حکمت و بیان و صنایع امکان از خزانه او ظاهر و هویدا. لوح طرازات، طراز ششم

مجموعه اشراقات، ص ۱۵۴

"هر نفسی که در امرالله ثابت و راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض می‌نماید. اوست مایه ظهور عالم و صنایع او و اشیاء ظاهره در

او، به امر سلطان حقیقی و مرئی حقیقی.

منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله چاپ آلمان، ش ۸۲، ص ۱۰۸

امر و خلق، ج ۱، ص ۲۷۶

□ برگزیده‌ای از مکاتیب و خطابات حضرت عبدالبهاء

"از قوه نفس ناطقه ممکن که حقایق اشیاء را کشف نماید و خواص کائنات را ادراک کند و به اسرار موجودات پی برد. این فنون و معارف و صنایع و بدایع و تأسیسات و اکتشافات و مشروعات کل از ادراکات نفس ناطقه حاصل و در زمانی سرّ مکنون و راز مکنون و غیرمعلوم بوده و نفس ناطقه به تدریج کشف کرده و از حیّز غیب و خفا به حیّز شهود آورده."

مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۶۵

"بدان که حقیقت انسانیه محیط بر حقایق اشیاست و کشف حقایق و خواص و اسرار اشیاء را می‌نماید. مثلاً جمیع این صنایع و بدایع و علوم و معارف را حقیقت انسانیه کشف کرده. یک وقتی جمیع این فنون و علوم و بدایع و صنایع سرّ مکنون و مکتوم بود بعد به تدریج حقیقت انسانیه این کشف را کرده و از حیّز غیب به حیّز شهود آورده." مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۹۰

"اگر انسان به اعمال بهائی قیام و رفتار کند، هیچ قول لازم ندارد.

اعمالست که جهان را ترقی داد. اعمالست که این مدنیّت را ترویج کرده. اعمالست که این صنایع را آشکار کرده. اعمالست که این اکتشافات را ظاهر کرده. اعمالست که عالم مادی را به این درجه رسانده. اگر چنانچه اعمال نبود، اقوال بود، آیا ممکن بود این مدنیّت مادی حاصل شود؟ پس به این برهان می‌توانیم استدلال کنیم که روحانیات هم نظیر مادیاتست. اعمال اهل ملکوت سبب حیات قلوب می‌شود، نه اقوال، اعمال خیریه سبب مسرت و جدان می‌شود. فضائل عالم انسانیّه سبب نورانیت بشر می‌شود.

خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۲۹

"روح است که انسان را از نفثات روح القدس مستفیض نماید؛ روح است که حقایق اشیاء را کشف کند؛ روح است که این همه آثار ظاهر نموده؛ روح است که همه علوم را تأسیس کرده..."

خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۳۲

"قوای متفکره مفتاح رموز و اسرار غیبیه است. در این حالت انسان به درجه تجرّد می‌رسد و خویشتن را از کل اشیاء منقطع می‌یابد و در بحر حیات روحانی مستغرق می‌گردد و اسرار اشیاء را کما هی ادراک می‌نماید. انسان را موجودی تصوّر نمایید که دو بصیرت دارد. هر گاه بصیرت دل فعّال است بصیرت چشم دخلی ندارد.

انسان به وسیله این قوه متفکره از قید عالم حیوان آزاد می‌شود، حقایق اشیاء را مشاهده می‌کند و با حضرت احدیت انس می‌گیرد. قوه متفکره است که صنایع و علوم را از حیّز غیب به حیّز شهود می‌آورد اختراعات را ممکن

ساخته، اجرای کارهای عظیم را میسر ساخته و امور دول را تسهیل می‌نماید و به واسطه این قوه انسان در ملکوت الهی داخل می‌شود. (ترجمه)

Paris Talks، ص ۱۷۵

□ گزیده‌ای از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء

"هنر موهبت روح القدس است. وقتی در ذهن موسیقی‌دان متجلی می‌گردد، به صورت نغمات بدیع جلوه می‌نماید و هنگامی در روح شاعر جلوه‌گر می‌شود، به صورت اشعار ناب و نثر شاعرانه ظهور می‌کند. وقتی شعاع شمس حقیقت بر روح نقاش می‌تابد، او را به خلق تصاویر زیبا موفّق می‌سازد. عالی‌ترین مقصد خویش را هنگامی جلوه‌گر می‌سازد که در حمد و ستایش پروردگار بی‌همتا باشد." (ترجمه)

(لیدی بلامفیلد، شاهراه منتخب، ویلمت، مؤسسه نشر آثار امری ۱۹۵۳، ص ۱۶۷)

□ گزیده تلگرامی از حضرت ولی‌امرالله

"بایستی از کل جامعه احبای امریکا رجا نمایم که از این پس تاریخ مهیج نبیل را بعنوان ضمیمه‌ای ضروری به برنامه‌های تبلیغی تجدید سازمان یافته و متنی بی‌بديل در مدارس تابستانه و منبع الهام در فعالیت‌های ادبی و

هنری و مونسى بى نهايت گرانقدر در اوقات فراغت و به عنوان مقدمه‌اى ضرورى براى سفرهاى زيارتى آتى به موطن جمال مبارک و وسيله‌اى بى فتور در رفع اضطراب و مقاومت در مقابل حملات بشرى سرخورده و خرده‌گير بدانند." (ترجمه)

۲۰ جون ۱۹۳۲، منتشره در "پيام‌هاى خطاب به امريکا"، نامه‌هاى منتخب و تلگرام‌هاى خطاب به بهائيان امريکاي شمالى ۴۶-۱۹۳۲، ويلمت لجنه نشر آثار امرى صفحه ۱

□ مؤخره بر دستنوشته حضرت ولي امرالله خطاب به نامه ارسالى از طرف ايشان به يکى از اجبّاء

"مايلم شخصاً سپاس‌هاى قلبى و عميق خود را از کوشش‌هاى چندگانه‌اى که به طور روزافزون در جهت اعتلاى امر محبوب، معمول مى‌داريد اظهار کنم. رشته فعاليت شما [نمايش و تئاتر] رشته‌اى جذاب و بديع است و سرشار از امکانات فراوان و گسترده مى‌باشد. باشد که تاريخ مهيج نبيل مجاهدات شما را غنى سازد و کيفيت کار شما را متعالى نمايد، دامنه آن را توسعه دهد و بر شدت نفوذ آن بيفزايد." (ترجمه)

(۲۰ ژوئيه ۱۹۳۳)

۴- تحولات اينده هنر

□ مؤخره‌اى بر دست‌نوشته‌اى از طرف حضرت ولي امرالله در مرقومه‌اى به تاريخ اول مارس ۱۹۵۱ خطاب به يکى از محافل روحانيه مليه

"اولين مشرق‌الانکار غرب مظهر اولين تلاش هر چند مقدماتى در جهت نمايش زيبايى و جمالى است که هنر بهائى هنگام وصول به ذروه کمال بر وجه اهل ارض مکشوف و مشهود خواهد ساخت. (ترجمه)

□ گزيده‌اى از مکاتيب مرقومه از طرف حضرت ولي امرالله

"هیکل مبارک صميمانه اميدوارند که به موازات توسعه امر و ورود نفوس مستعد تحت لوای آن، اين نفوس آن روح الهى را که جان‌هاى ايشان را به اهتزاز درآورده در هنر خود متجلى سازند. هر ديانتى قسمتى از هنر را با خود همراه آورده است، حال وقت آن است که شاهد بدايعى باشيم که اين امر مقدس با خود به ارمغان خواهد آورد. چنين روح عظيم و پرجلالى بايد سبب ظهور و تجلى هنرى جليل باشد. مشرق‌الانکار با همه زيبايى خود صرفاً از

نتایج سحر است. باش تا صبح دولتت بدمد." (ترجمه) ۱۱ دسامبر ۱۹۳۱
 "تردید نیست که با گسترش روح امر حضرت بهاء‌الله، عصر جدیدی
 در زمینه هنر و ادبیات طلوع خواهد نمود. از قبل قالب به مرحله کمال رسیده
 اما فاقد روح و محتوی بود. حال روحی جلیل و عظیم در قالبی تجلی نموده
 که به واسطه نبوغ احیاء شده عالم پیشرفتی بی اندازه نموده است." (ترجمه)
 ۳ آوریل ۱۹۳۲

"حضرت ولی امرالله از وقوف بر توفیق «نمایش ملل» که شما خلق
 نموده‌اید بسیار مشعوف شدند. ایشان صمیمانه امیدوارند که جمیع نفوس
 حاضر و شاهد این نمایش، از همان روحی که شما را موقع خلق آن احیاء
 نموده الهام بگیرند.

از طریق ارائه چنین نمایش‌هایی است که ما می‌توانیم توجه تعداد کثیری
 از نفوس را به روح امر مبارک جلب نمائیم. یومی فراخواهد رسید که امرالله
 مانند شعله آتش سرکش، گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و
 تعالیم امرالله بر روی صحنه یا به طور کلی در قالب هنر و ادبیات عرضه
 خواهد گردید. هنر به مراتب بهتر از استدلال سرد و بی‌روح به خصوص در
 میان توده مردم می‌تواند احساسات و عواطف متعالیه و شریفه را بیدار
 نماید.

فقط سنین معدودی را باید صبر و اضطبار پیشه نمائیم تا مشاهده کنیم
 چگونه روح القاء شده توسط حضرت بهاء‌الله در آثار هنرمندان، فرصت

ظهور و بروز خواهد یافت. آنچه که شما و بعضی از احبّاء سعی دارید انجام
 دهید تنها شعاع‌های ضعیفی است که تلالؤ درخشان صبحی پرشکوه را
 بدنبال خواهد داشت. ما هنوز نمی‌توانیم نقشی را که مقدر است امر مبارک
 در حیات جامعه ایفا نماید ارزیابی نمائیم. باید منتظر گذر زمان بود. ماده‌ای
 که این روح باید به آن شکل بخشد بسیار خام و بی‌ارزش است. لکن مآلاً
 تسلیم خواهد شد و امر حضرت بهاء‌الله در نهایت جلال و عظمت، خود را
 ظاهر و بارز خواهد ساخت." (ترجمه) ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲

"حضرت ولی امرالله از وقوف بر علاقه عمیق شما به موسیقی و همچنین
 میل شما که از این طریق به امر مبارک خدمت نمائید و بسیار خرسند
 گردیدند. اگر چه امروز فقط طلیعه هنر بهائی است مع هذا یارانی که احساس
 می‌کنند در چنین زمینه‌هایی واجد استعداد هستند، باید بکوشند که
 استعدادهای خود را شکوفا کنند و بارور سازند و روح الهی را که حضرت
 بهاء‌الله به عالم القاء فرموده‌اند - هر چند به صورت محدود - در آثارشان
 منعکس سازند." (ترجمه) ۴ نوامبر ۱۹۳۷

"شما در عین حال به طرح این مسئله پرداخته‌اید که سرچشمه الهام
 موسیقی دانان و آهنگسازان بهائی چه باید باشد. آیا ما باید به موسیقی
 گذشته ناظر باشیم یا به کلمه‌الله؟ ما که در آستانه فرهنگ بهائی ایستاده‌ایم
 به هیچ وجه نمی‌توانیم اشکال و خصوصیات آینده را که ملهم از این ظهور

ابدع اعظم می‌باشد پیش‌بینی کنیم. فقط می‌توانیم از این امر مطمئن باشیم که هنرهای آینده بدیع خواهند بود؛ از آنجا که هر ظهوری مولد فرهنگی بوده که به شکل‌های مختلف شکوفا گردیده، می‌توان انتظار داشت که این امر نازنین نیز به طریقی مشابه عمل کند. ولی هنوز زمان مناسب فرا نرسیده که سعی کنیم به کیفیت هنرهای مزبور پی ببریم." (ترجمه)

۲۳ دسامبر ۱۹۴۲، به یکی از افراد احبا

"موسیقی به عنوان یک هنر یک پدیده طبیعی فرهنگی است و حضرت ولی امرالله را عقیده بر آن نیست که در جهت پرورش "موسیقی بهائی" به بذل مجهودات پرداخت، همانطور که در جهت ایجاد مکتب نقاشی یا نویسندگی بهائی نیز تلاشی صورت نمی‌گیرد. احباء مختارند که مطابق ذوق و قریحه خود به نقاشی و نویسندگی و آهنگسازی بپردازند اگر تصنیف موسیقی با استفاده از آثار الهی صورت پذیرد یاران در استفاده از آن آزادند ولی اجراء چنین تصنیفاتی در مجامع بهائی به هیچ وجه نباید ضرورت به حساب آید. هر چه یاران الهی از چنین حالات و اشکال تثبیت شده بیشتر برکنار باشند بهتر خواهد بود زیرا باید دریابند که امر الهی امری مطلقاً جهانی است و آنچه در نظر ایشان به برگزاری فی‌المثل یک جلسه ضیافت و غیره زیبایی می‌بخشد چه بسا در نزد مردمان کشورهای دیگر نامطلوب آید و برعکس. مادام که ایشان موسیقی را به خاطر خود موسیقی می‌پسندند بر ایشان باسی نیست ولی نباید به آن نام موسیقی

بهائی بنهند." (ترجمه)

۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

"حضرت ولی امرالله عقیده راسخ دارند که صرف نظر از آنچه متأخرترین مکاتب معماری در این باره ارائه می‌کنند، سبک‌های معماری موجود در سراسر جهان نه تنها شدیداً ناهنجارند بلکه به کلی فاقد وقار و کرامتی هستند که باید لاقلاً تا حدودی در مشرق‌الانکار بهائی وجود داشته باشد. این نکته همیشه باید مرکوز ذهن باشد که اکثریت عظیم انسان‌ها نه آنچنان واجد ذوق و سلیقه مدرن هستند و نه واجد سلیقه‌های افراطی‌اند و آنچه مکاتب مدرن ممکن است جذاب و زیبا بیندارند غالباً در نزد انسان‌های ساده و بی‌پیرایه بسیار نازیبا است." (ترجمه)

۱۱ ژوئیه ۱۹۵۶ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

"در باره تهیه کتابی از ترانه‌های بهائی استنباط شما که در این مرحله هیچ جلوه فرهنگی خاصی که بتوان آن را بهائی نامید وجود ندارد، کاملاً صحیح است. (موسیقی، ادبیات و معماری متمایز ... ثمره تمدن هستند نه آن که در آغاز هر دور جدید به ظهور برسند) به هر حال این بدان معنا نیست که ما ترانه‌های بهائی یا به عبارت دیگر ترانه‌هایی که توسط بهائیان و درباره مواضع بهائی تصنیف شده باشد نداریم." (ترجمه)

۱۱ ژوئیه ۱۹۵۲ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

□ گزیده‌ای از پیام‌های بیت العدل اعظم الهی

"در آثار بهائی اشارات متعددی به هنر و موسیقی شده و جایگاه والائی در تعلیم و تربیت برای آن در نظر گرفته شده است. بدون تردید همراه با پیشرفت امر تصنیفات زیبا و بدیعی پدیدار خواهد شد و تأثیر روحانی آنها بر انسان‌ها به یقین مبین کمتر از آثار موسیقی عظیم گذشته نخواهد بود. بنابراین اشتیاق و توانائی شما به خدمت به امر الهی از طریق موسیقی مقبول است. و امیدواریم که بتوانید فرصت‌های معتناهی برای تحقق استعدادهای خود در این زمینه بیابید." (ترجمه)

۱۹ آوریل ۱۹۷۳ خطاب به یکی از افراد احباء

"استفاده از آلات موسیقی جهت همراهی ادعیه بهائی البته به جز در مشارق انکار هیچ گونه منعی ندارد، مشروط بر آنکه احترام لازم در اجرای آنها رعایت شود. همچنین هیچ منعی جهت تلاوت ادعیه توسط گروه‌های بزرگ و به طور دسته‌جمعی وجود ندارد ولی به یاران الهی توصیه می‌شود اجازه ندهند این عمل به صورت رسم و عادت در آید." (ترجمه)

۱۸ آوریل ۱۹۸۴ یادداشتی به دارالتبلیغ بین‌المللی

"حضرت ولی امرالله این نکته را تصریح فرموده‌اند که شکوفائی هنرها که نتیجه ظهور الهی است، چند قرن طول خواهد کشید. دیانت بهائی تجدید بنای کامل جامعه انسانی را به عالم عرضه می‌کند. آنچنان بازسازی وسیع

و فراگیر و با تأثیرات فراوانی که موعود همه ظهورات گذشته بوده و تأسیس ملکوت الهی بر بسط غبراء خوانده شده است. معماری جدید که منبعث از امر الهی خواهد بود، چندین نسل بعد از این شکوفا خواهد گردید. ما اینک صرفاً در آغاز این فرایند عظیم هستیم.

دوران کنونی ایام تغییر و تحول است. معماری همانند همه رشته‌های علمی و هنری دستخوش تغییرات بسیار سریعی است. کافی است نظری به تغییراتی که در چند دهه اخیر واقع شده بیفکنیم تا تصویری از تحولات احتمالی آینده به دست آوریم. بی‌تردید برخی از بناهای مدرن واجد نشانه‌های عظمت است و دوام خواهد آورد. ولی چه بسا که عمده آنچه امروز ساخته می‌شود در طی چند نسل آینده خام و زشت به نظر آید. به عبارت دیگر، معماری مدرن را می‌توان تحول جدیدی دانست که در مرحله جنینی است. اما معماری کلاسیک یونان نمونه‌ای از یک مکتب هنری بالغ می‌باشد که بسیار زیباست و زیبایی خود را در طی چند هزاره که از ساخت آن می‌گذرد حفظ نموده است.

بنائی که ما امروز درصدد احداث آن هستیم قرار است صدها سال مورد استفاده باشد و بخشی از مجموعه ساختمان‌های حول قوس کوه کرمل است که باید از نظر سبک با هم هماهنگ باشند به این جهت است که ما سبکی را اتخاذ نموده‌ایم که ثبات و اعتبار آن به اثبات رسیده است نه سبک مدرنی که چه بسا چندان نپاید." (ترجمه)

۱۸ ژوئیه ۱۹۷۴ نامه‌ای خطاب به یکی از افراد احبا

□ گزیده‌ای از پیام‌های مرقومه از قبل بیت‌العدل اعظم

"شما به عنوان نوازنده پیانو در کنسرت به نحوی بی‌نظیر از موهبت خدمت به حق و نوع بشر برخوردار می‌باشید. زیرا حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: هنر موسیقی دانان در زمره هنرهای است که مستحق نهایت درجه ستایش است زیرا حزن را از قلوب محزونین می‌راند." (یادداشت: منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء ص ۱۱۲) به علاوه کمال‌طلبی شما در هنر، هم متابعت از اوامر الهی و هم تجلی عبادت در حرفه شما است." (ترجمه)

۱۳ می ۱۹۸۴

"در پاسخ به نامه شما که در مورد بهترین روش ابلاغ امر مبارک به هنرمندان راهنمایی خواسته بودید می‌توان گفت: علاوه بر روش‌هایی که مردم را به طور کلی جلب می‌نماید هنرمندان به هنر حساس هستند. هنگامی که تعالیم متعالی امر الهی در آثار هنری متجلی می‌گردد قلوب مردم، من جمله هنرمندان متأثر می‌شود. بیانی از آثار مقدسه یا توصیف هنر در ارتباط با آثار مقدسه ممکن است باعث شود که مخاطب آثار هنری، منبع این جاذبه روحانی را درک نماید و به مطالعه بیشتر درباره امر مبارک رهنمون گردد." (ترجمه)

۲۱ ژوئیه ۱۹۸۲

"با تکوین جامعه بهائی که مشتمل بر اقوامی با مبادی فرهنگی گوناگون و سلائق متفاوت می‌باشند که هر یک از آنچه از نظر زیبایی‌شناسی قابل قبول و دلپذیر است دریافت خاصی دارند، بهائینی که از استعداد موسیقی - نمایش و هنرهای تجسمی برخوردار هستند، مختارند که از این هنرها به روش‌هایی که به امر الهی خدمت خواهد کرد بهره گیرند. ایشان نباید از عدم درک احبای مختلف مضطرب شوند بلکه با درک آثار مهم امر الهی درباره موسیقی و جلوه نمایشی و... باید مجهودات هنری خود را منضم به دعا و مناجات ادامه دهند، و بدانند که هنرها ابزار نیرومندی جهت خدمت به امر مبارک می‌باشند. همان هنرهایی که در موعد مقرر به اثمار بهیه خواهند نشست." (ترجمه)

۹ اوت ۱۹۸۳

"بیت‌العدل اعظم مایلند شما را در نوشتن کتاب خود تشویق کنند اما شما را به این بیان صریح حضرت ولی امرالله متذکر می‌سازند که در این مرحله اولیه دور بهائی چیزی به عنوان هنر بهائی، موسیقی بهائی، معماری بهائی یا فرهنگ بهائی وجود ندارد. البته بدون تردید این جنبه‌های هنری در آینده به عنوان نتیجه طبیعی تمدن بهائی پدیدار خواهند شد. شوق وافر شخص حضرت ولی امرالله در چنین زمینه‌هایی هرگز نباید به عنوان شالوده ریزی و بنیادگذاری جهت چنین تحولاتی به حساب آید... بنابراین شما باید توجه داشته باشید که چنین ابراز نکنید و یا زمینه این قبیل استنتاج را نیز فراهم نسازید که حضرت ولی محبوب امرالله اساس اولیه اشکال هنری بهائی را

بنیان نهاده‌اند. ایشان حدائق و ابنیه زیبایی با استفاده از آنچه موجود بود احداث فرمودند و در مورد رو بنای مضجع حضرت باب متخصّصینی را که می‌توانستند تحت هدایت ایشان خالق طرح‌های شایسته و مناسب باشند به این کار منصوب نمودند." (ترجمه) ۲۳ جون ۱۹۸۵

"در ارتباط با موسیقی و هنرهای زیبا شما آزادید که این مواضع را به عنوان مواضع درسی در مدارس بهائی بکار گیرید. بسیاری از سایر محافل روحانی که آگاهی دقیقی از آثار بهائی در ارتباط با موسیقی و هنر دارند چنین آموزش‌ها و مواد درسی را تا آنجا که در این مرحله از توسعه جامعه بهائی مقدور است بکار می‌گیرند. جهت تحریض، جمع‌آوری و نشر موسیقی مفیدی که اینک در حال پیدایش در عالم بهائی است و جهت استفاده از آن به طور منظم در مدارس، معلمین مستعد و علاقمند باید تلاش‌های فراوانی نمایند... طبق تعالیم امر الهی موسیقی و هنر باید مورد تشویق قرار گیرند زیرا به نحو قابل ملاحظه‌ای بر نشاط و روحانیت جامعه بهائی می‌افزایند." (ترجمه)

۲۰ اوت ۱۹۸۵ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

"بیت العدل اعظم الهی از وقوف بر موضوع پایان نامه شما که عنوان آن "طلوع هنر بهائی" است، خشنود گشتند. مطالعات محققانه از این قبیل به واسطه بررسی مفاهیم و دلالت تعالیم بهائی و ایجاد بصیرت جدید نسبت به

کاربردهای این تعالیم در مسائل دنیای معاصر و توجیه غیربهائیان دربارهٔ نتایج گسترده ظهور حضرت بهاءالله بسیار سودمند هستند." (ترجمه)

۱۴ نوامبر ۱۹۸۹

۵- رهنمودهایی برای هنرمندان بهائی

□ گزیده‌ای از آثار حضرت بهاء‌الله

"إِنَّا حَلَّلْنَا لَكُمْ إِصْغَاءَ الْأَصْوَاتِ وَ التَّغَمَّاتِ إِيَّاكُمْ أَنْ يُخْرِجَكُمْ الْإِصْغَاءُ عَنْ شَأْنِ الْأَدَبِ وَالْوَفَارِ. اِفْرَحُوا بِفَرَحِ أَسْمَى الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّهَتْ الْأَفِيدَةُ وَ أَنْجَذَتْ عَقُولَ الْمُتَّقِرِينَ. إِنَّا جَعَلْنَاهُ مِرْقَاةً لِعُرُوجِ الْأَرْوَاحِ إِلَى الْأَفْقِ الْأَعْلَى لِأَتَجْعَلُوهُ جَنَاحَ النَّفْسِ وَالْهُوَى إِنِّي أَعُوذُ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ."

کتاب اقدس بند ۵۱

□ گزیده‌ای از رقائم حضرت ولی امرالله

"این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت، مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است همچنین توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتتهای نفسانی و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفرطه است که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت به حسیض نذلت متنازل سازد." (ترجمه)

ظهور عدل الهی، ص ۶۰

□ گزیده‌ای از مکاتیب مرقومه از طرف حضرت ولی امرالله

"در آثار مبارکه هیچ مخالفتی با هنر رقص نمی‌بینیم اما یاران باید همواره موازن اعتدال و عفت و عصمت را به خاطر داشته باشند. جو تالارهای رقص امروزه که آکنده به دخان و مصرف مسکرات و بی‌بند و باری است بسیار ناپسند است ولی رقص‌های توأم با متانت به نفسه هیچ ضرری ندارد. همچنین شرکت در فعالیت‌های نمایشی هیچ ضرری ندارد و نیز ترتیب ایفای نقش در سینما، مسئله اصلی امروزه مربوط به نفس هنرها نیست بلکه فساد تأسف باری است که این هنرها را احاطه کرده. به عنوان بهائی مکلف به اجتناب از هیچ هنری نیستیم ولی باید از جو نامساعد و حرکاتی که ملازم این حرفه‌ها گشته اجتناب نمود." (ترجمه)

۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"در ارتباط با سؤال شما راجع به اینکه آیا می‌توان شخصیت‌های حضرت اعلی و حضرت بهاء‌الله را به عنوان شخصیت‌های نمایشی که توسط بهائیان به رشته تحریر درآمده به روی صحنه آورد؟ نظر حضرت ولی امرالله آن است که کوشش در جهت نمایش تئاتری مظاهر ظهور الهیه شدیداً هتک حرمت طلعات مقدسه است و لذا احباء باید از آن اجتناب نمایند و این همچنین در مورد حضرت عبدالبهاء نیز صادق است و علاوه بر آن اجرای چنین طرحی که در کمال وفاداری و توأم با وقار و متانت صورت

گیرد، مستحیل و محال است. (ترجمه) ۲۷ ژانویه ۱۹۳۵ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"و اما در خصوص سؤال شما که آیا مصلحت ایجاب می‌کند که وقایع تاریخی امر بهائی به صورت نمایش ارائه گردد؟ حضرت ولی امرالله مسلماً مورد تأیید قرار می‌دهند و حتی تشویق می‌فرمایند که یاران باید به چنین فعالیت‌های ادبی، که بالاترید می‌تواند ارزش تبلیغی وسیع و عظیمی داشته باشد، مشغول گردند. آنچه که هیکل مبارک احباء را به اجتناب از آن تحریض می‌فرمایند به نمایش در آوردن شخصیت حضرت اعلی، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء است. فقط استفاده از عین کلمات مقدسه شان جائز است اما هیچ کس نباید به جای این طلعات مقدسه روی صحنه ظاهر شود. خط مشی کلی رعایت حرمت و احترام فوق‌العاده ایشان است." (ترجمه)

۱۹ آگوست ۱۹۵۱

□ گزیده‌ای از پیام‌های بیت‌العدل اعظم

"در نصوص مقدس دیانت بهائی به هیچ موردی که استفاده از اسم اعظم و اسامی مظاهر ظهور الهی و یا اسامی شخصیت‌های اصلی امر را در سرودها منع نماید مشاهده نشده است. اما به اعتقاد این جمع استفاده از این اسامی مبارکه چه در اشعار و چه در اجرای سرودها باید در کمال وقار و احترام باشد." (ترجمه)

۱۴ مارس ۱۹۶۸ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"از آنجا که روح مجامع امری شدیداً متأثر از لحن و کیفیت عبادت ما و احساسات ما و درک ما از کلمه‌الله در این یوم می‌باشد امیدواریم که زیباترین نحوه بیان روحیات انسانی را در جوامع خود، از طریق موسیقی نیز همچون سایر طرق، تشویق فرمایید." (ترجمه)

۲۲ فوریه ۱۹۷۱ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"هیچ منعی بر استفاده از پدیده‌های طبیعی به منزله نماد برای نمایش اهمیت طلعات مقدسه ثلاثه، احکام بهائی و نظم اداری دیانت بهائی مشاهده نمی‌کنیم و در عین حال استفاده از نمادهای تجسمی را جهت نمایش مفاهیم انتزاعی شایسته می‌دانیم و ارج می‌نهیم." (ترجمه)

۲۹ جولای ۱۹۷۱

"این استنباط شما صحیح است که به تصویر در آوردن حضرت باب و حضرت بهاء‌الله در آثار هنری ممنوع می‌باشد. حضرت ولی امرالله تصریح فرموده‌اند که این ممنوعیت درباره کلیه مظاهر مقدسه مصداق دارد. استفاده از عکس‌ها و شمایل حضرت عبدالبهاء در کتاب‌ها مجاز است ولی به هیچ وجه نباید آن حضرت را در آثار نمایشی، به عنوان یکی از شخصیت‌های نمایش به تصویر در آورد. به هر حال نسبت به ارائه نمادین چنین هیاکل مقدسه‌ای مخالفتی وجود ندارد مشروط بر آنکه به صورت رسم و آئین در نیاید و نمادی که مورد استفاده قرار گرفته خارج از قواعد ادب نباشد." (ترجمه)

۳ دسامبر ۱۹۷۲

"بررسی توابع حضرت ولی امرالله این نکته را کاملاً مبرهن می‌سازد که تجسم هیكل مظاهر ظهور الهی و حتی حضرت عبدالبهاء بر روی صحنه مجاز نیست... به نظر بیت العدل اعظم به نمایش در آوردن حضرت ولی امرالله نیز به عنوان یک شخصیت تئاتری در یک نمایشنامه شایسته نیست. استفاده از نور با شدت زیاد یا به صورت رنگ‌های گوناگون مستلزم بررسی دقیق شما است. اگر استفاده از نور به منزله تجسم مظهر ظهور باشد استفاده از آن ممنوع است، ولی اگر این کار بدون آنکه این تصور را ایجاد کند که شخصیت مظهر امر تجسم شده است اتفاق افتد، هیچ منعی در استفاده از آن وجود ندارد. و اما در مورد به تصویر کشیدن اشخاص زنده

ممکن است در مواقع خاصی این کار انجام شود نظیر نمایش‌های فی البداهه یا محلی به منظور تبلیغ یا توضیح برخی رخدادها، ولی به طور کلی انجام دادن این کار معقول نیست." (ترجمه)

در ارتباط با کف زدن در خلال سرودهایی که اسم اعظم در آنها ذکر می‌شود، بیت العدل اعظم در نظر ندارند که قوانین شداد و غلاظ وضع کنند. طبیعی است که چنین مواضعی جنبه ثانوی داشته و تابع ملاحظات فرهنگی، آداب و رسوم و قراردادهای اجتماعی حاکم بر جوامع مختلف است. مثلاً در برخی از فرهنگ‌ها دست افشانی در جریان ابراز احساسات مذهبی، موهن به حساب می‌آید. در فرهنگ‌های دیگر، دست زدن به خصوص در فقدان یک ساز موسیقائی وسیله‌ای برای حفظ ضرب‌آهنگ اوراد و ادعیه می‌باشد و جزء لازمی از تجربه روحانی است. در میان برخی دیگر از امم دست زدن ممکن است نوعی ابراز اشتیاق مذهبی به حساب بیاید. به علاوه در هر کشوری چه بسا که تفاوت‌های فرهنگی منطقه‌ای وجود داشته باشد.

بنابراین وظیفه محفل روحانی ملی است که هر مورد را با دقت و حساسیت و در پرتو محیط غالب فرهنگی بسنجد و در صورت لزوم احباء را هدایت نماید." (ترجمه)

اول اکتبر ۱۹۸۶ به دارالتبلیغ بین‌المللی

□ گزیده‌ای از پیام‌های مرقومه از قبل بیت العدل اعظم

"بیت العدل اعظم نامه مورخ ۲۵ مارس ۱۹۷۶ شما را که در آن سؤال نموده‌اید که "آیا مجاز هستید نقاشی‌هایی از مظهر ظهور را در آثاری که جهت مطالعه کودکان تهیه می‌کنید بگنجانید؟" دریافت و مطالعه نمودند و ابلاغ فرمودند که اظهار داریم این کار جایز نیست." (ترجمه)

۱۶ مه ۱۹۷۶ به یکی از محافل روحانیه ملّیه

"ممنوعیت نمایش مظهر ظهور الهی در کارهای نقاشی یا گرافیک و یا ارائه نمایشی در تئاتر در مورد تمام مظاهر الهی مصداق دارد. البتّه ما با آثار بزرگ و شگفت‌انگیز ادوار گذشته مواجه هستیم که بسیاری از آنها مظهر ظهور را با روحیه‌ای توأم با وقار و عشق به تصویر درآورده‌اند. ولی در این دور بلوغ افزون‌تر نوع بشر و آگاهی زیادتر نسبت به رابطه بین مظاهر ظهور متعالیه الهی و بندگان او، ما را قادر می‌سازد که درک کنیم نمایش شخص مظهر الهی به شکل‌های بشری در تصویر یا تندیس و یا نمایش محال و غیرممکن است. حضرت ولی امرالله در بیان ممنوعیت این کار در آئین بهائی، به نکات فوق اشاره فرموده‌اند." (ترجمه) ۹ مارس ۱۹۷۷

"همانطور که بدون تردید آگاه هستید به تصویر کشیدن مظاهر ظهور الهیه در آثار نمایشی مجاز نیست و معلوم است که برای تولید فیلم مؤثّری

درباره تاریخ امر که در آن حضرت بهاءالله و نیز حضرت باب را نتوان عملاً بر روی صحنه آورد، مهارت بسیار زیادی لازم است. به سبب اهمیت فوق‌العاده زیاد پیام بهائی و ظهور بهائی اگر چنین فیلمی به اسم جامعه بهائی تهیه شود باید واجد عالی‌ترین درجه کیفیت از جمیع جهات باشد." (ترجمه)

۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸ به یکی از محافل روحانیه ملّیه

"مجاز نیست که بازیگری در نقش یکی از طلعات مقدسه ثلاثه امر بهائی در نمایشنامه‌های رادیویی صحبت کند." (ترجمه)

۳ آوریل ۱۹۷۹ به یکی از محافل روحانیه ملّیه

"درباره درخواست شما مبنی بر اخذ رهنمودی از بیت‌العدل اعظم در ارتباط با نمایشنامه‌ای که در حال تحریر آن هستید مقرر فرمودند اعلام گردد که احبّاء مختارند آنچه را که اراده می‌کنند بنویسند. اما اگر چنین آثاری درباره امر و برای انتشار می‌باشد، باید توسط محفل روحانی ملّی کشوری که این آثار نخستین بار در آن چاپ می‌شود بررسی گردد و مورد تصویب قرار گیرد." (ترجمه) ۵ مارس ۱۹۸۱

"آثار ادبی اعم از نمایشنامه و غیره باید توسط محفل روحانی ملّی هر کشوری که در آن منتشر می‌شود بررسی گردد. اما در مورد اجراء نمایش

در هر کشور این موضوع باید مورد تصویب محفل روحانی ملی قرار گیرد که چه بسا رأی ایشان بر آن باشد بنا به ملاحظات امنیتی نمایشنامه خاص (اعم از بهائی و یا غیر آن) نباید توسط بهائیان اجراء شود. اما این مسئله دیگری است و هیچ ارتباطی با بررسی آثار هنری ندارد." (ترجمه)

۲۲ فوریه ۱۹۸۲

"باید نظر شما را به این هدایت حضرت ولی امرالله معطوف داریم که اگر چه هیچگونه نمایشی از شخص طلعات مقدسه نباید بر روی صحنه و یا به شکل تصویری صورت گیرد، اما هیچ منعی بر نقل بیانات و کلمات ایشان وجود ندارد." (ترجمه)

۱۵ مارس ۱۹۸۳، به یکی از محافل روحانیه ملیه

"هیچ منعی وجود ندارد که بهائیان به نگارش رمان بپردازند و در آنها به همان نحو که شما در نامه خود توصیف کرده‌اید، وقایع و شخصیت‌های تاریخی را به تصویر بکشند. اما باید در نظر داشت که بدست دادن تصویری شایسته از مظاهر الهی در قالب یک شخصیت رمان امری محال و ممتنع است و اساعه ادبی که لامحاله در طی چنین عملی انجام می‌گیرد بدیهی است. اصولاً این قبیل نوشته‌ها که در برگیرنده هر یک از طلعات مقدسه امر بهائی باشد باید ممنوع قلمداد شود." (ترجمه)

۱۰ ژوئن ۱۹۸۶

"در عین حال که بیت العدل اعظم به تحقیق می‌دانند که شرح حال و تذکره‌هایی درباره حضرت و رقه علیا نوشته خواهد شد ولی این جمع بر این عقیده است که شایسته نیست ایشان را در قالب اشکال نمایش و یا داستانی توصیف نمایند و به تصویر کشند." (ترجمه)

۲۲ سپتامبر ۱۹۸۶

"شما گهگاه توضیحات مکتوب و مشروح درباره نمادهایی که در نگارگری‌های خود از آنها استفاده می‌نمائید ارسال می‌کنید. در عمل این اقدام می‌تواند جنبه‌ای را بیان کند که ممکن است بیش از حد لزوم مبین دیدگاه بهائی تلقی شود و نهایتاً به جای تقویت مساعی، موجب تضعیف تلاش هنری شما گردد. نمادگرایی دستمایه هنر است. اما هنرمندان ندرتاً نمادهایی را که مورد استفاده قرار می‌دهند تعبیر می‌کنند و استنتاج را به عهده مخاطبان خود وامی‌گذارند و گاهی اوقات برای چنین مخاطبی رهنمودی جز آنچه از عناوین این آثار استنباط می‌شود وجود ندارد.

نام گذاری یک اثر هنری از اختیارات هنرمند است و تنها شرطی که در این مورد وجود دارد آن است که عنوان نامناسبی به اثری که برای بیان یک موضوع بهائی به وجود آمده داده نشود.

و اما درباره سؤال شما راجع به اینکه هنرمند "تصویری بیافریند که پرداخت جدیدی از یکی از نصوص مبارکه باشد"، بیت العدل اعظم معتقدند که تشکیلات بهائی نباید هنرمندان را از خلق انواع کارهای خوشنویسی که ارائه کننده آثار مقدسه یا اسم اعظم باشد بازدارند. اما، چنین مجهوداتی باید

با سلیقه عالی انجام شوند و از شکل و صورتی برخوردار نباشند که اسباب تمسخر گردند. در ارتباط با نقش مرسوم و رایج اسم اعظم، بیت العدل اعظم توصیه می‌نمایند که دقت فراوان به عمل آید تا خوش نویسی زبان فارسی به نحو صحیحی ارائه گردد. زیرا هر گونه انحرافی از شکل پذیرفته شده خوشنویسی می‌تواند اسباب ناراحتی احبای ایرانی را فراهم آورد." (ترجمه) ۲۳ فوریه ۱۹۸۷

"تدبیری که بیت‌العدل اعظم در نهی از هر گونه تکثیر مجدد به قصد توزیع عکسهائی که از نقاشی‌هایی که از حضرت مولی‌الوری کشیده شده، اتخاذ نموده‌اند، به هیچ‌گونه قضاوتی در مورد کیفیت یک نقاشی اشاره تلویحی ندارد. در کیفیت خلّاقیت و ذوق هنری که در خلق تصاویری از حضرت مولی‌الوری معمول گشته، تنوع وسیعی وجود دارد. بیت‌العدل اعظم مایل نیستند که در مورد یک نقاشی نسبت به نقاشی دیگر رُجحانی قائل شوند؛ بلکه این سیاست کلی را اختیار می‌کنند که مطمئن گردند ادای احترام مناسب نسبت به تصاویر و شمایل حضرت عبدالبهاء معمول می‌گردد و توزیع نقاشی‌هایی که از کیفیت ضعیفی برخوردارند ابدأ صورت نگیرد...."

بیت‌العدل اعظم به طور اعمّ عقیده دارند که یکی از بزرگترین معضلاتی که بهائیان در همه جا با آن مواجهند معطوف کردن مجدد توجه اهل عالم به واقعیت روحانی است. نظر ما نسبت به عالم به نحو بارزی با نظر توده نوع بشر متفاوت است، چه که ما معتقدیم خلقت در بر گیرنده وجود روحانی و

نیز وجود عنصری است و جهانی را که اکنون در آن هستیم صرفاً محملی برای ترقیات روحانیه خود می‌دانیم.

این نظریه دارای اشارات و دلالتی تلویحی به رفتار و سلوک بهائیان است و اعمال و افعالی را مطرح می‌سازد که کاملاً با سلوک متداول در جامعه خارج از جامعه بهائی مغایر می‌باشد. یکی از فضائل ممتاز و متمایزی که در آثار بهائی بر آن تأکید شده عبارت از احترام به مقدّسات است. چنین سلوکی برای نفوسی که دیدگاه آنها نسبت به عالم کاملاً مادی است، معنی و مفهومی ندارد، در حالی که بسیاری از پیروان ادیان رایج عالم آن را در حدّ مجموعه‌ای از آداب و رسوم عاری از احساسات واقعی روحانی تنزّل داده‌اند.

در بعضی موارد، آثار مبارکه بهائی شامل هدایات دقیق در خصوص نحوه احترامی است که باید نسبت به اشیاء یا اماکن متبرکه معمول داشت، مانند محدودیت در خصوص استفاده از اسم اعظم روی اشیاء یا استفاده عام از صدای ضبط شده حضرت مولی‌الوری. در سایر موارد، از احبّاء خواسته می‌شود سعی کنند در خصوص مفهوم تقدّس در تعالیم بهائی درک عمیق‌تری کسب نمایند و به این ترتیب بتوانند سلوک و رفتار خویش را که مبین رعایت احترام و حرمت می‌باشد، تعیین نمایند.

اهمیت چنین سلوک و رفتاری منبعث از اصلی است که در آثار مبارکه بهائی بیان شده است، که ظاهر تأثیر بر باطن دارد. حضرت بهاء‌الله در خصوص "حزب الله" می‌فرمایند:

در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود و در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود...

(مؤلفه) بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

میتواند از آنجا که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود... و در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

ص ۲۴ و ۲۳

و قریحه هبیری و ادعی است... و در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود...

در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود...

(مؤلفه) بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

میتواند از آنجا که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود... و در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

و در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود... و قریحه هبیری و ادعی است... و در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود، بر آن بنام جبر و اجبار در حق خداوند مبنی بود...

در آن ایامی که در فقهیه معتاد بود...

زمینه خدمت به امر مبارک و ترویج امر و ابلاغ امرالله مطمح نظر قرار دهید. توفیق شما در موسیقی شما را قادر می‌سازد که با بُعد وسیعی از نفوس تماس برقرار کنید و مآلاً با بیان و توصیف قدر و اهمیت پیام حضرت بهاءالله در موسیقی خود، پیام مبارک را به ایشان ابلاغ و اعلام نمائید. همچنین، با گسترش حرفه خود می‌توانید در میان نفوس ذی نفوذ روابط دوستانه ارزشمندی نسبت به امر مبارک ایجاد نمائید... هنرمندان بهائی که در رشته انتخابی خویش از شهرت و آوازه مطلوبی برخوردار می‌شوند، و خویشتن را همچنان وقف ترویج امر مبارک می‌نمایند، در حال حاضر، که اشتیاق عامه به اطلاع از تعالیم بهائی تدریجاً برانگیخته می‌شود، می‌توانند به امر مبارک مساعدت بی‌ظنیری نمایند." (ترجمه)

دستخط مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۸ از طرف معهداعلی خطاب به دو تن از اجباء.

"در رابطه با نامه شما... که در آن سؤال کرده‌اید که آیا آیاتی از ادعیه و یا منتخباتی از کلمات مکنونه را می‌توان به هنگام خواندن دسته‌جمعی و یا انفرادی سرودها، بخصوص در مشرق الانکار تکرار نمود یا خیر؟ بیت العدل اعظم فرمودند که پاسخ دهیم که در مورد تکرار این آیات در سرودها به منظور هماهنگی با مقتضیات موسیقی منعی وجود ندارد." (ترجمه)

۳۰ مارس ۱۹۸۹ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"در رابطه با سؤال شما در این مورد که آیا می‌توان آثار مقدسه بهائی را

با موسیقی همراه نمود، امر فرمودند مرقوم گردد: استفاده از منتخباتی از آثار مقدسه به عنوان غزلیاتی که با ساخته‌های موسیقائی همراه شوند و تکرار آیات یا کلمات، مجاز است. آهنگساز مختار است که با در نظر داشتن این وظیفه روحانی که باید شایستگی، وقار و حرمت آثار مقدسه را حفظ کند، سبک موسیقی را انتخاب نماید." (ترجمه)

۱۸ نوامبر ۱۹۹۰

"اجرای رقص‌های سنتی که در ارتباط با جلوه‌های فرهنگی می‌باشد در حظائر قدس مجاز است. اما، باید در نظر داشت که رقص‌های سنتی از این قبیل همیشه واجد یک مضمون و یا داستان درونی است که به مخاطبان منتقل می‌شود. باید توجه داشت که مضامین چنین رقص‌هایی با معیارهای والای اخلاقی امر الهی هماهنگ باشند، نه با تصویرهایی که غرائض پست و شهوات نالایقه را برانگیزانند.

و اما درباره رقص‌های طراحی شده و تنظیم شده که هدف آنها تأیید و اعلان اصول دیانت بهائی است، اگر به روشی انجام شوند که بتوانند نشان دهنده شرافت چنین اصولی باشند و احترام و تکریم مخاطبان را برانگیزند، البته مورد تأییدند. در مورد رقص‌هایی که بخواهند بیانگر آثار الهی باشند نیز منعی وجود ندارد، اما مرجح است که حرکات این رقص‌ها همزمان با تلاوت کلمات الهیه اجرا نگردد.

اصولی که باید راهنمای یاران الهی در ملاحظات ایشان در ارتباط با این مسائل باشد، "حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس

و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است. (ترجمه)
 ۲۰ ژوئن ۱۹۹۱، به یکی از محافل روحانیه ملیه

"البته در زمینه استفاده از عبارت "هنرمند بهائی" هیچ منعی وجود ندارد ولی در این مقطع زمانی از دور بهائی ما نباید عبارت "هنر بهائی"، "موسیقی بهائی" و یا "معماری بهائی" را بکار ببریم." (ترجمه) ۱۲ مارس ۱۹۹۲

"در ارتباط با سؤال شما راجع به اینکه آیا شایسته است احباء به صورت دسته جمعی ادعیه‌ای را که روی آنها موسیقی گذاشته شده است بخوانند یا خیر؟ این امر کاملاً مجاز است. اما این موسیقی باید به درستی منعکس کننده تقدس آثار الهی باشند. و به یاران توصیه می‌شود که این رسم را به نوعی آیین تبدیل نکنند. حضرت عبدالبهاء ما را در این رابطه تشویق فرموده می‌فرمایند (ترجمه): "پس ای شهناز به آوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل به آهنگی بنواز تا قلب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان به هیجان آید و بتل و تضرع به ملکوت ابهی کنند." (مستخرجاتی درباره موسیقی، ص ۳۰)

۳۰ آوریل ۱۹۹۲ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

۶- هنر و معماری

□ گزیده‌ای از آثار حضرت بهاء الله

"يا مَلَأَ الْإِنشَاءَ عَمْرًا يُوتَا بِأَكْمَلِ مَا يُمَكِّنُ فِي الْإِمكَانِ. بِاسْمِ مَالِكِ
 الْأَدْيَانِ فِي الْبُلْدَانِ وَرَتْنُهَا بِمَا يُبَغِي لَهَا لَا بِالصُّورِ وَالْأَمْثَالِ. ثُمَّ أَذْكُرُوا فِيهَا
 رَبِّكُمْ الرَّحْمَنَ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ. أَلَا بِذِكْرِهِ تَسْتَبِرُّ الصُّدُورُ وَتَقَرُّ الْأَبْصَارُ."

کتاب اقدس بند ۳۱

□ گزیده‌ای از مکاتیب و خطابات حضرت عبدالبهاء

"از این که مشغول به اکمال صنعتی بسیار مسرورم زیرا صنعت در این دور بدیع عبارت از عبادت است. هر چه بیشتر کوشی به خدا نزدیکتر گردی، چه موهبتی اعظم از این است که صنعت انسان مثل عبادت حق باشد یعنی چون قلم تصویر در دست باشد مثل این است که در معبد به عبادت حق مشغولی...
 پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۳

"مشرق الاذکار، باید ۹ جنب ۹ باب ۹ فواره‌های آب، ۹ خیابان ۹ معبد، ۹ عمود، ۹ باغچه مع ایوان و غلامگردش و قبه داشته باشد و وضع و هیئت بنا باید در نهایت قشنگی باشد. سرّ این بنا عظیم است حال کشف آن ممکن نه ولی ساختنش امروز نهایت اهمیت را دارد. از برای مشرق الاذکار متفرعاتی مقرر است که از این بنا محسوب است و آن این است: مدرسه ایتام، مریضخانه و دواخانه برای فقرا، دارالعجزه، دارالفنون عالی و مسافرخانه. در هر مدینه به این وضع باید باشد. در مشرق الاذکار هر روز صبح مراسم به عمل می‌آید و در خود معبد موسیقی نخواهد بود. در عمارتی نزدیک باید تمام مراسم ضیافت و جشن و مهمانی و کنونشن و اجتماعات عمومی و احتفالات روحانی بجا آورده شود و قرائت مناجات و آیات به الحان بدیع در نفس مشرق الاذکار بدون آلات موسیقی باید صورت گیرد. ابواب مشرق الاذکار را بر روی عموم نوع بشر بگشایید."

بهاء الله و عصر جدید، طبع اول، ص ۱۹۳، طبع برزیل ص ۲۱۱

"مشرق الاذکار عشق آباد تقریباً کامل شده است. خود مشرق الاذکار در مرکز مستحدثات واقع شده است و ۹ مسیر مختلف به آن منتهی می‌گردد. همچنین مشرق الاذکار دارای ۹ حدیقه ۹ آیفشان و نظم و نسقی منطبق با اصل و مناسبت عدد ۹ می‌باشد. مشرق الاذکار به دسته گلی زیبا می‌ماند. بنائی عظیم و مجلل را در نظر آورید که محاط به حدایقی با ازهار متنوع است که در میان آنها ۹ جاده کوچک و ۹ فواره و حوضچه آب قرار گرفته

است. اینچنین است طرح بی نظیر و زیبای مشرق الاذکار. هم اکنون متولیان مشرق الاذکار مشغول ساختن بیمارستان، مدرسه‌ای برای ایتام، دارالعجزه و نوانخانه‌ای بزرگ و مسافرخانه می‌باشند. ان‌شاءالله پس از اتمام کار، ساختمان مشرق الاذکار به مثابه بهشت خواهد بود. امیدوارم مشرق الاذکار شیکاگو بدینسان باشد. بکشید که فضای مشرق الاذکار شکلی دایره‌وار داشته باشد و در صورت امکان برای آنکه به ابعاد و مرزهای ساختمان حالتی مدور بدهید طرح‌ها را تنظیم و تبدیل کنید. مشرق الاذکار نمی‌تواند مثلث‌گونه باشد و قطعاً باید دایره‌وار باشد. (ترجمه)

خطابه دوم مه ۱۹۱۲ مندرج در ص ۷۱ Promulgation

□ گزیده‌ای از مکاتیب مرقومه از قبل حضرت ولی امرالله

"ایشان صمیمانه امیدوارند که به موازات توسعه امر، و ورود نفوس مستعده تحت لوای آن، این نفوس روح الهی را که جانهای ایشان را به اهتزاز درآورده در آثار خود متجلی سازند. هر دیانتی گونه‌ای از هنر را با خود به همراه آورده، حال وقت آن است که شاهد بدایعی باشیم که این امر مقدّس با خود به ارمغان خواهد آورد. چنین روح شکوهمندی باید هنر پرشکوهی را از خود ظاهر نماید. مشرق الاذکار با همه زیبایی خود صرفاً از نتایج سحر است. باش تا صبح دولتش بدمد." (ترجمه)

۱۱ دسامبر ۱۹۳۱

"شما در عین حال به طرح این مسئله پرداخته‌اید که سرچشمه الهام موسیقی‌دانان و آهنگسازان بهائی چه باید باشد. آیا ما باید به موسیقی گذشته ناظر باشیم یا به کلمه‌الله؟ ما که در آستانه فرهنگ بهائی ایستاده‌ایم به هیچ وجه نمی‌توانیم اشکال و خصوصیات آینده را که ملهم از این ظهور ابداع اعظم می‌باشد پیش‌بینی کنیم. فقط می‌توانیم از این امر مطمئن باشیم که هنرهای آینده بدیع خواهند بود؛ از آنجا که هر ظهوری مولد فرهنگی بوده که به شکل‌های مختلف شکوفا گردیده، می‌توان انتظار داشت که این امر نازنین نیز به طریقی مشابه عمل کند. ولی هنوز زمان مناسب فرا نرسیده که سعی کنیم به کیفیت هنرهای مزبور پی ببریم." (ترجمه)

۲۳ دسامبر ۱۹۴۲، به یکی از افراد مؤمنین

"موسیقی به عنوان یک هنر یک پدیده طبیعی فرهنگی است و حضرت ولی امرالله را عقیده بر آن نیست که در جهت پرورش "موسیقی بهائی" به بذل مجهودات پرداخت، همانطور که در جهت ایجاد مکتب نقاشی یا نویسندگی بهائی نیز تلاشی صورت نمی‌گیرد. احباء مختارند که مطابق ذوق و قریحه خود به نقاشی و نویسندگی و آهنگسازی بپردازند اگر تصنیف موسیقی با استفاده از آثار الهی صورت پذیرد یاران در استفاده از آن آزادند ولی اجراء چنین تصنیفاتی در مجامع بهائی به هیچ وجه نباید ضرورت به حساب آید. هر چه یاران الهی از چنین حالات و اشکال تثبیت شده بیشتر برکنار باشند بهتر خواهد بود زیرا باید دریابند که امر الهی

امری مطلقاً جهانی است و آنچه در نظر ایشان به برگزاری فی‌المثل یک جلسه ضیافت و غیره زیبایی می‌بخشد چه بسا در نزد مردمان کشورهای دیگر نامطلوب آید و برعکس. مادام که ایشان موسیقی را به خاطر خود موسیقی می‌پسندند بر ایشان باسی نیست ولی نباید به آن نام موسیقی بهائی بنهند." (ترجمه) ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

"حضرت ولی امرالله بنفسه المقدّس معتقد نیستند که آرزوی حضرت عبدالبهاء مبنی بر ساخت مشرق‌الانکار ملهم از بنای تاج‌محل به آن مفهوم باشد که بنائی کاملاً مطابق با آن اثر تاریخی آفریده شود و از نظر جزئیات واجد همان هویت هنری باشد. منظور حضرت عبدالبهاء آن بوده است که شکل کلی، زیبایی، زوایا و تقارن آن مضع شکوهمند در معبد بهائی منعکس گردد." (ترجمه) ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۷ به یکی از احباء

"اسلایدهای مشرق‌الانکار بهائی و فعالیت‌های گوناگون، بسیار جالب توجه است و باب جدیدی را در روش‌های تبلیغ عامه ناس باز می‌کند. هر چه مجموعه‌های جالب‌تری بتوان تهیه و در اختیار احباء گذاشت، بهتر است." (ترجمه) ۲۸ دسامبر ۱۹۴۶ به یکی از احباء

"آنچه باقی می‌ماند ملاحظات مهمّ مربوط به طرح مشرق‌الانکار است. در اجرای بنای مشرق‌الانکار، چه به دست یک معمار بهائی یا غیربهائی باید

این اصل ضروری منظور شود که واجد زیبایی و وقار باشد. بنای مشرق الانکار نباید حائز هیچیک از سبک‌ها و اسلوب‌های عجیب و غریب، مبالغه‌آمیز و بدمنظری باشد که انسان در بسیاری از ساختمان‌های جدید ناظر است. این اسلوب‌ها مناسب مشرق الانکار نیست. به نظر حضرت ولی امرالله تمام معمارانی که به ارائه طرح می‌پردازند باید این نکته را مرکز ذهن خویش داشته باشند که از اصول اولیه مشرق الانکار، چنانچه بالصراحه توسط حضرت عبدالبهاء تشریح شده، آن است که ساختمان مشرق الانکار باید ۹ وجهی و مدور باشد. به غیر از این نکته غیرقابل اجتناب معمار از جهت انتخاب سبک طرح مشرق الانکار هیچ محدودیتی ندارد." (ترجمه)

۲۵ ژوئن ۱۹۵۴ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"به طور کلی باید به این نکته متذکر بود که مشرق الانکار ویلمت ارائه دهنده الگوی کلی برای دیگر مشارق انکار نیست و نماینده نوع جدیدی از معماری بهائی نیز نمی‌باشد. بدین لحاظ لزومی ندارد که معماران شما تلاش در پیروی از آن طرح نمایند. آنچه باید مورد اتباع قرار گیرد در نظر داشتن هدایات حضرت عبدالبهاء در مورد مشرق الانکار و آنگاه پدید آوردن بنائی است که برای آن منطقه مطلوب و مناسب باشد." (ترجمه)

۱۰ فوریه ۱۹۵۵ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

"استماع این خبر که محفل روحانی ملی جداً درصدد فراهم آوردن طرح

برای مشرق الانکار فرانکفورت است، فوق العاده سبب مسرت خاطر هیکل مبارک گردید. می‌دانید ایشان این مسئله را واجد اهمیت فراوان می‌دانند و نظر ایشان آن است که دو نکته باید همواره مرکز ذهن معماران باشد؛ اول آنکه ساختمان مشرق الانکار نباید هزینه گزافی داشته باشد و دوم آنکه طرح مشرق الانکار باید زیبا و باوقار باشد و تحت تأثیر افراط گرائی‌های معماری مدرن قرار نداشته باشد، که عموماً واجد اسلوبی زودگذر و اکثراً نازیبا برای بنایی چون مشرق الانکار هستند و بیشتر متوجه جنبه‌های عملی و کاربردی می‌باشند." (ترجمه)

۹ آوریل ۱۹۵۵ به یکی از احباء

"حضرت ولی امرالله عقیده راسخ دارند که صرف نظر از آنچه متأخرترین مکاتب معماری در این باره ارائه می‌کنند، سبک‌های معماری موجود در سراسر جهان نه تنها شدیداً ناهنجارند بلکه به کلی فاقد وقار و کرامتی هستند که باید لاقلاً تا حدودی در مشرق الانکار بهائی وجود داشته باشد. شخص باید این نکته را همیشه مرکز ذهن داشته باشد که اکثریت عظیم انسان‌ها نه آنچنان واجد تمایلات مدرن هستند و نه آنکه واجد سلیقه‌های افراطی‌اند و آنچه مکاتب مدرن ممکن است زیبا و جذاب بیندارند غالباً در نزد انسان‌های ساده و بی‌پیرایه بسیار نازیبا است."

۱۱ ژوئیه ۱۹۵۶ به یکی از محافل روحانیه ملیه

□ گزیده‌ای از پیام‌های بیت‌العدل اعظم

"از نامه ارسالی شما در ارتباط با طرح ساختمانی که باید به عنوان مقر بیت‌العدل اعظم بر کوه کرمل مورد استفاده قرار گیرد سپاسگزاریم. حضرت ولی امرالله این نکته را تصریح فرموده‌اند که شکوفائی هنرها که نتیجه ظهور الهی است، چند قرن طول خواهد کشید. دیانت بهائی تجدید بنای کامل جامعه انسانی را به عالم عرضه می‌کند. آنچنان بازسازی وسیع و فراگیر و با تأثیرات فراوانی که موعود همه ظهورات گذشته بوده و تأسیس ملکوت الهی بر بسیط غرباء خوانده شده است. معماری جدید که منبعث از امر الهی خواهد بود، چندین نسل بعد از این شکوفا خواهد گردید. ما اینک صرفاً در آغاز این فرایند عظیم هستیم.

دوران کنونی ایام تغییر و تحول است. معماری همانند همه رشته‌های علمی و هنری دستخوش تغییرات بسیار سریعی است. کافی است نظری به تغییراتی که در چند دهه اخیر واقع شده بیفکنیم تا تصویری از تحولات احتمالی آینده به دست آوریم. بی‌تردید برخی از بناهای مدرن واجد نشانه‌های عظمت است و دوام خواهد آورد. ولی چه بسا که عمده آنچه امروز ساخته می‌شود در طی چند نسل آینده خام و زشت به نظر آید. به عبارت دیگر، معماری مدرن را می‌توان تحول جدیدی دانست که در مرحله جنینی است. اما معماری کلاسیک یونان نمونه‌ای از یک مکتب هنری بالغ می‌باشد که بسیار زیبایست و زیبایی خود را در طی چند هزاره که از ساخت

آن می‌گذرد حفظ نموده است.

بنائی که ما امروز درصدد احداث آن هستیم قرار است صدها سال مورد استفاده باشد و بخشی از مجموعه ساختمان‌های حول قوس کوه کرمل است که باید از نظر سبک با هم هماهنگ باشند به این جهت است که ما سبکی را اتخاذ نموده‌ایم که ثبات و اعتبار آن به اثبات رسیده است نه سبک مدرنی که چه بسا چندان نپاید." (ترجمه)

۱۸ ژوئیه ۱۹۷۴ نامه‌ای خطاب به یکی از افراد احبا

□ گزیده‌ای از پیام‌هایی که از قبل بیت‌العدل اعظم صادر شده

"بیت‌العدل اعظم اصولاً هیچگونه اعتراضی به انعقاد نمایشگاهی از آن قبیل که منظور شماست ندارند ولی اتخاذ تصمیم راجع به این موضوع به محفل روحانی ملی مربوط است. بنابراین شما باید پیشنهاد خود را به محفل مقدس روحانی ملی تقدیم نمایید. احبای اروپا در موارد قبل، از الواح مبارکه برای نیات مختلفه الهام گرفته‌اند. بیت‌العدل اعظم پیشنهاد می‌کنند که شما نیز می‌توانید از طریق محافل ملیه گوناگون یا مستقیماً نمونه‌هایی از آنها را بدست آورید. البته اصل الواح را نباید آن طور که شما پیشنهاد می‌کنید در چنین پوسترهایی بکار برد." (ترجمه)

۲۹ دسامبر ۱۹۸۱ به یکی از احباء

"نامه مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۸۳ شما برای کسب تکلیف در موضوع نمایش تجسمی شخصیت‌های مربوط به عصر رسولی امر بهائی دریافت شد. بیت العدل اعظم مایلند بدانید که نه در هدایات حضرت ولی امرالله و نه در فرامین بیت العدل اعظم که رونوشت‌هایی از آن را شما به ضمیمه نامه ارسال داشته‌اید منعی برای هنرمندان در به تصویردرآوردن حروف حی و فضاهای مربوطه و یا قیام ایشان در وقایع دقیقه تاریخیه وجود ندارد، آن گونه که در نامه شخصی به تاریخ ۸ فوریه ۱۹۸۳ همراه نامه خود استناد کرده‌اید. مبرهن است که علاوه بر دقت در بزرگداشت، وقار شخصیت نفوس تصویر شده نیز واجد اهمیت فوق العاده است." (ترجمه)

۱۵ اکتبر ۱۹۸۳ به یکی از محافل روحانیه ملیه

۷- هنر و صنعت

□ آثار حضرت بهاءالله

"طوبی از برای نفوسی که به افق اعلی ناظرند و به امر مالک اسماء، عامل و طوبی از برای نفسی که در ایام الهی به صنعت یدی مشغول است. هذه موهبة من الله؛ چه که در این ظهور اعظم اشتغال به امری که انسان را از انتظار منع نماید لدی الله مقبول است صنع هر صانعی از عبادت محسوب شد." پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"یک اسم از اسماء الهی صانع است و صنعت را بسیار دوست داشته و می‌دارد. لذا هر یک از عباد مظهر این اسم واقع شود لدی المظلوم محبوب است و صناعت دفتری است از دفاتر علوم الهی و کنزی است از خزائن حکمت ربّانی و این علمی است با معنی، چه که بعضی از علوم لفظ ظاهر و به لفظ منتهی و راجع."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"انشاءالله در تحسین کمالات و همچنین در تحصیل صنعت جهد بلیغ مبذول دارند." پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"حق جلّ جلاله دوست داشته که صنایع مرغوبه از اجبای خود مشاهده نماید. طوبی لک بما حضر ما صنعته تلقاء وجه ربّک المظلوم. انشاء الله هر یک از احباء موفق شوند به اظهار صنعتی از صنایع و مؤید شوند بما امروا به فی کتاب الله الغرین الحکیم.

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"علموا ابنائکم لیقرئوا آیات الله بالعشی و الاشرق قد کتب الله لکل اب تربیة اولاده من الذکر و الانثی بالعلم و الاداب ثم الصناعة و الاقتراف.

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۴

"باید اطفال کمال جهد را در تحصیل علم و خط مبذول دارند... خط به قدری که رفع ضرورت نماید از برای بعضی کافی است اگر وقت را در علوم نافع صرف نمایند اولی و انب است و لکن چون حق جل جلاله هر صنعتی اکمل آن را دوست داشته لذا از قلم اعلی جاری شد آنچه شد."

الواح به خط عندلیب، ص ۲۸-۲۷

"طراز پنجم در حفظ و صیانت مقامات عباد الله است. باید در امور اغماض نکنند و به حق و صدق تکلم کنند. اهل بهاء باید اجر احدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند و به مثابه حزب قبل لسان را به بدگوئی نیالایند. امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آن

جهت جاری باید به انصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست. لعمر الله کلمه انصاف به مثابه آفتاب روشن و منیر است. از حق می طلبیم کل را به انوارش منور فرماید. اِنَّهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بِالْاِحَابَةِ جَدِیْرٌ.

(از طرازات) مجموعه اشراقات، ص ۱۵۳

"تجلی سوّم علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقاة است از برای صعود تحصیلش بر کلّ لازم لکن علمی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد صاحبان علوم و صنایع را حق عظیم است بر اهل عالم یَشْهَدُ بِذٰلِکَ اَنَّ الْاٰیَانَ فِی الْمآبِ نَعِیْمًا لِّلسَّامِعِیْنَ"

(از تجلیات) مجموعه اشراقات ص ۲۰۳

"باید اوّل هر امری آخر آن ملاحظه شود و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است، اطفال به آن مشغول گردند تا رائحه فساد از عالم قطع شود و کلّ به همت اولیای دولت و ملت در مهد امن و امان مستریح مشاهده شوند. حضرت موجود می فرماید علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن منتفع گردند."

دریای دانش، ص ۲۱

"مقصود از علم منفعت عباد است و آن صنایع بوده و هست. لازال

فرموده و می‌فرمایند قدر اهل صنایع را بدانید، چه که سبب و علت تسهیلات امور شده‌اند. اساس دین به شریعة الله محکم و اساس معاش به اهل صنایع. مقصود از علم علمی است که منفعت آن عاید خلق شود نه علمی که سبب کبر و غرور و نهب و ظلم و ستم و غارت گردد.» آیات الهی جلد اول، صفحه ۳۳۸

□ آثار حضرت عبدالبهاء

"هر نفسی باید کار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد." گنجینه حدود و احکام، ص ۷۵

"در خصوص ملاقات با..... چون نوشته است تو را تعلیم صنعت خواهد و محبت و دارائی نماید، از خدا خواهیم که این مقصد حاصل گردد. شما صنعتی تعلیم گیرید زیرا به او امر الهیه هر نفسی باید صنعتی آموزد."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۶

"هر روز از صبح تا ظهر درس بخواند تا خواندن و نوشتن آموزد و از ظهر تا قریب غروب به تحصیل صنعت مشغول گردد. اطفال را باید هم خواندن آموخت و هم صنعت."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۶

"اما تعلّم صنعت از برای کلّ لازم است که به آن واسطه معیشت خویش را تحمل نماید و این حکم عمومی است."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۶

"امر جمال مبارک روحی لثراب عتبه الفدا این است که هر کس هر صنعتی دست زند نهایت اتقان را مجری دارد و چون چنین کند آن صنعت عبادت است."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۶

"یکی دیگر از یاران پرسید: "در الواح بیان شده است که باید منقطع باشیم و در جائی دیگر ذکر شده که باید کسب یا حرفه‌ای را بیاموزیم آیا این دو بیان یکدیگر را نفی نمی‌کنند؟"

حضرت عبدالبهاء در پاسخ فرمودند: "در امر حضرت بهاء الله بر همگان فرض است که کسب و کار و حرفه‌ای بیاموزند. مثلاً من حصیربافی می‌دانم و شما با کسب دیگری آشنائید. این بنفسه نوعی عبادت محسوب است، مشروط بر آنکه بر اساس صداقت و ایمان کامل انجام شود و همین سبب برکت است. مع هذا هر چند که انسان مشغول به چنین اموری باشد، اگر قلب انسان اسیر و وابسته به این جهان نباشد و از وقایع جاری مضطرب نگردد مکنّت و ثروت او را از خدمت به نوع بشر باز ندارد و یا از فقر افسرده و ملول نگردد. این حالت کمال انسان است. در غیر این صورت در زمان فقر اظهار سخاوت کردن و در حالت ضعف منصف بودن سهل است و دلیل علم و

کمال نیست. (ترجمه)

از مقاله‌ای به قلم دکتر ضیاء بغدادی تحت عنوان "حضرت عبدالبهاء در

آمریکا" نجم باختر، جلد ۱۹، شماره ۷، صفحه ۲۱۹

"و همچنین به موجب او امر الهیه هر طفلی باید قرائت و کتابت و اکتساب فنون لازمه مفیده نماید و همچنین تعلیم صنعتی از صنایع این امور را نهایت اهتمام باید. قصور و فتور در این خصوص جاثمه".

مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۵

"از جمله خدمات فائده تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است. حال الحمدلله شما در این خدمت سعی بلیغ دارید و جهدی عظیم. هر چه در این امر مهم اقدام بیشتر فرمایید تأییدات و توفیقات الهیه بیشتر ظاهر و آشکار گردد به درجه‌ای که خود شما حیران مانید."

مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۴

"ای مظاهر الطاف الهی، در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و معارف است و به نص صریح باید جمیع اطفال به قدر لزوم تحصیل فنون نمایند. لهذا باید در هر شهری و قریه‌ای مدارس و مکاتب تأسیس گردد و جمیع اطفال به قدر لزوم در شهر و قریه در تحصیل بکوشند. لهذا هر نفسی که اتفاق در این مورد نماید، شبهه‌ای نیست که مقبول درگاه احدیت شود و

مورد تحسین و تمجید ملاء اعلی گردد.

منتخباتی از مکاتیب، ص ۱۲۱، شماره ۱۰۹

"نامه تو رسید حمد خدا را که مرزده صحت و عافیت تو داد و خبر این داشت که حاضر دخول در مدرسه زراعی هستی. بسیار موافق. تا می‌توانی بکوش که در فن زراعت نهایت مهارت را حاصل نمائی، زیرا به موجب تعلیم الهی تحصیل فنون و اتقان صنعت عبارت از عبادت است. شخصی اگر به تمام همت به تحصیل علمی پردازد و یا به اتقان صنعتی کوشد مانند آن است که در کنائس و معابد عبادت الهی می‌نماید. پس تو چون در مدرسه زراعی داخل شوی و به کمال همت تحصیل فنون نمائی فی الحقیقه شب و روز به عبادت مشغولی و این عبادت مقبول درگاه کبریا چه موهبتی اعظم از این که علم عبارت از عبادت باشد و صنعت عبارت از خدمت به ملکوت الله باشد."

منتخباتی از مکاتیب ج ۱، ص ۱۴۱

"ای بنده حق، بدایع صنایع در این دور جامع از عبادت جمال لامع شمرده گشته. ملاحظه فرما که چه عنایت است و چه موهبت که صنعت عبادت است. پیشینیان گمان می‌نمودند که صنعت غفلت است. بلکه آفت است و مانع از قرب حضرت احدیت. حال ملاحظه فرما که رحمت کبری و موهبت عظمی چگونه جحیم را جنت نعیم کرد و گلخن ظلمانی را گلشن نورانی نمود. اهل صنعت باید در هر دم صد هزار شکرانیت به عتبه مقدسه

اظهار دارند و در صنایع خویش نهایت همت و دقت را مجری نمایند تا ابدع صنعت در نهایت لطافت و ظرافت در معرض عمومی عالم جلوه نماید."

منتخبانی از مکاتیب ش ۱۲۷، ص ۱۴۱

"در ترفیات عصریه بکوشید و در مدنیت مقدسه جهد بلیغ و سعی شدید نمائید دبستان‌هایی در نهایت انتظام ترتیب دهید و اصول تحصیل معارف را ترویج. معلمانی در نهایت تقدیس و تنزیه جامع آداب و کمال تعیین نمائید. و ادیبان و مربیانی حائز علوم و فنون ترتیب دهید... و همچنین در ترویج صنایع و اکتشاف بدایع و توسیع دایره تجارت و صناعت و ترتیب آداب مدنیت و تزیین مملکت."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۷

"اطفال را از سن شیرخواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد فضائل پیورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید از هر علم مفیدی بهره‌مند نمائید و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید پر همت نمائید و متحمل مشقت کنید. اقدام در امور مهمه بیاموزید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمائید."

مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۵

□ توقیعات مرقومه از قبل حضرت ولی امرالله

"راجع به شوهر گرامیتان حضرت ولی امرالله این عمل را در تطابق کامل با آرزوهای حضرت عبدالبهاء می‌دانند که هر انسانی باید نوعی کار دائم داشته باشد. با وجود آنکه حضرت ولی امرالله اشتیاق فراوان دارند که شاهد وقف کلیه قوای هر دوی شما در معرفی منطقی، متکامل و جذاب امر الهی باشند - متأسفانه ایشان احساس می‌نمایند که، در امری دچار نقصان هستیم - ایشان بسیار مشتاقند که همسر شما از آن چیزی تبعیت نماید که حضرت عبدالبهاء غالباً حتی خطاب به افراد عاقله خویش اظهار فرموده‌اند یعنی لزوم اشتغال به صنعت. البتّه می‌دانید که حضرت عبدالبهاء همیشه می‌فرمودند که ایشان حصیربافی می‌کرده‌اند." (ترجمه)

۲۰ سپتامبر ۱۹۲۹

"ایشان صمیمانه امیدوارند که به موازات توسعه امر، و ورود نفوس مستعد تحت لوای آن، این نفوس آن روح الهی را که جان‌های ایشان را به اهتزاز درآورده و در هنر خود متجلی سازند. هر دیانتی گونه‌ای از هنر را با خود به همراه آورده است. حال وقت آن است که شاهد بدایعی باشیم که این امر مقدس با خود به ارمغان خواهد آورد. چنین روح شکوهمندی باید هنر پرشکوهی را از خود ظاهر نماید. مشرق‌الانکار با همه زیبایی خود صرفاً از نتایج سحر است. باش تا صبح دولتش بدمد." (ترجمه)

۱۱ دسامبر ۱۹۳۱

۸- حرف

□ هنرمندان و نگارگران

"آفتاب حقیقی کلمه الهی است که تربیت اهل دیار معانی و بیان منوط به اوست و اوست روح حقیقی و ماء معنوی که حیات کلّ شیء از مدد و عنایت او بوده و خواهد بود و تجلّی او در هر مرآة به لون او ظاهر. مثلاً در مرآیای افنده اهل صنعت اشراق نمود صنایع بدیعة منیعه ظاهر و در افنده عارفین تجلّی فرموده بدایع عرفان و حقایق تبیان ظاهر شده..."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۱. دریای دانش، ص ۱۰۳

"از این که مشغول به اکمال صنعتی بسیار مسرورم، زیرا صنعت در این دور بدیع عبارت از عبادت است. هر چه بیشتر کوشی به خدا نزدیکتر گردی. چه موهبتی اعظم از این است که صنعت انسان مثل عبادت حق باشد یعنی چون قلم تصویر در دست باشد مثل این است که در معبد به عبادت مشغولی..."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۳

□ صنعتگران

"طراز پنجم در حفظ و صیانت مقامات عبادالله است. باید در امور اغماض نکنند و به حقّ و صدق تکلم کنند. اهل بهاء باید اجر احدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند و به مثابه حزب قبل لسان را به بدگویی نیلایند. امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آن جهت جاری باید به انصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست. لعمرالله کلمه انصاف به مثابه آفتاب روشن و منیر است. از حقّ می طلبیم کل را به انوارش متور فرماید. آنه علی کلّ شیئی قدیر و بالا جابة جدیر."

(از طرازات) مجموعه اشراقات، ص ۱۵۳

"ای بنده حق، بدایع صنایع در این دور جامع از عبادت جمال لامع شمرده گشته، ملاحظه فرما که چه عنایت است و چه موهبت که صنعت عبادت است. پیشینیان گمان می نمودند که صنعت غفلت است بلکه آفت است و مانع از قرب حضرت احدیت. حال ملاحظه فرما که رحمت کبری و موهبت عظمی چگونه جحیم را جنت نعیم کرد و گلخن ظلمانی را گلشن نورانی نمود. اهل صنعت باید در هر دم صد هزار شکرانیت به عتبه مقدّسه اظهار دارند و در صنایع خویش نهایت همّت و دقت را مجری نمایند تا ابداع صنعت در نهایت لطافت و ظرافت در معرض عمومی جلوه نماید."

منتخباتی از مکاتیب ش ۱۲۷، ص ۱۴۱

□ پزشکان

"نیکوست حال آن طبیعی که امراض را به نام مقدس و گرامی من درمان می‌کند."

ترجمه گزیده‌ای از یکی از الواح ترجمه نشده حضرت بهاء‌الله

"ای خادم صادق حق و طیب روحانی خلق. هرگاه بر بالین بیماری حاضر می‌شوی وجه خود را به سوی رب الملکوت معطوف کن و مبتهلاً طلب تأیید از روح القدس نما و آلام مرض را شفا بخش..."

ترجمه لوح مبارک حضرت عبدالبهاء به یکی از مؤمنین

□ بازرگانان

"تجارت به مثابه سمائی است که شمس آن امانت و قمر آن صداقت است."

ترجمه گزیده لوح ترجمه نشده حضرت بهاء‌الله

"یاران الهی باید به واسطه تجارت ناس را به سبیل الهی هدایت کنند و ایشان را چنان متحیر سازند که کل بگویند: "چقدر بهائیان صادقند چقدر امینند، چقدر با حسن نیت‌اند."

ترجمه گزیده لوح ترجمه نشده حضرت عبدالبهاء

□ موسیقی دانان

"إِنَّا حَلَّلْنَا لَكُمْ إِصْغَاءَ الْأَصْوَاتِ وَ التَّغَمَّاتِ إِنَّا كُنَّا أَنْ يُخْرِجَكُمْ الْإِصْغَاءَ عَنْ شَأْنِ الْأَدَبِ وَ الْوَقَارِ أَفْرَحُوا بِفَرَحِ أَسْمَى الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّهَتْ الْأَفْتِدَةُ وَ اتَّجَدَبَتْ عَقُولُ الْمُتَرَبِّينَ إِنَّا جَعَلْنَاهُ مِرْفَاتًا لِعُرُوجِ الْأَرْوَاحِ إِلَى الْأَفْقِ الْأَعْلَى لِأَتَجَعَّلُوهُ جِنَاحَ النَّفْسِ وَ الْهَوَىٰ إِنِّي أَعُوذُ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ."

کتاب اقدس، بند ۵۱

"شعبه موسیقی باید در نهایت اتقان باشد این فن از فنون جلیله است، تحصیلش از لوازم این عصر سلطان احدیت لکن باید اتقان نمود نه مثل دیگران ناقص گذاشت..."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۳ بیان حضرت عبدالبهاء

□ حاکمان

"حضرت موجود می‌فرماید: آسمان سیاست بنیتر این کلمه مبارکه که از مشرق اراده اشراق نموده منبر و روشن است. يَنْبَغِي لِكُلِّ أَمِيرٍ أَنْ يَرِنَ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمِيزَانِ الْفِسْطِ وَالْعَدْلِ. ثُمَّ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ وَيَأْمُرُهُمْ بِمَا يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْحِكْمَةِ وَالْعَقْلِ..." انتهى

اینست اس سیاست و اصل آن. حکیم آگاه از این کلمه استخراج می‌نماید آنچه سبب راحت و امنیت و حفظ نفوس و دماء و امثال آنست. اگر

صاحبان افنده از دریای معانی که در این الفاظ مستور است بیاشامند و آگاه گردند کلّ شهادت می دهند بر علو بیان و سمو آن. این فانی اگر آنچه ادراک نموده عرض نماید جمیع گواهی دهند بر حکمت بالغه الهیه. اسرار سیاست در این کلمه مکنون و آنچه ناس به آن محتاج، در او مخزون. این خادم فانی از حقّ جل جلاله سائل و آمل که ابصار عالم را به نور حکمت منور فرماید تا کل ادراک نمایند آنچه را که الیوم لازم است. امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید.

حضرت موجود می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ أَصْبَحَ قَائِمًا عَلَى خِدْمَةِ الْأُمَّةِ.

و در مقام دیگر می فرماید:

لَيْسَ الْفَخْرُ لِمَنْ يُحِبُّ الْوَطْنَ بَلْ لِمَنْ يُحِبُّ الْعَالَمَ... انتهی

(لوح مقصود) دریای دانش، ص ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

□ معلمان

"انسان طلسم اعظم است ولكن عدم تربیت، او را از آنچه با اوست محروم نموده. به یک کلمه خلق فرمود و به کلمه آخری به مقام تعلیم هدایت نمود و به کلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود.

حضرت موجود می فرماید: انسان را به مثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما. به تربیت، جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم

انسانی از آن منتفع گردد... انتهی

(لوح مقصود)، دریای دانش، ص ۱۲

"تعلیم اطفال و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمن. زیرا اسس اساس فضائل عالم انسانی است و سبب تدرج به اوج عزّت جاودانی. چون طفل در کودکی تربیت شود مانند نهال در جویبار علم و دانش، به عنایت باغبان گلشن احدیت، از زلال معانی بنوشد و البته پرتو شمش حقیقت گیرد، و به شعاع و حرارتش در گلشن وجود طراوت و لطافت بی نهایت یابد. پس ادیب باید طیب باشد، یعنی اطفال را تعلیم دهد و اخلاق را تعدیل نماید. علم و دانش آموزد و به خلق و خوی ربانی پرورش دهد، طیب اخلاق باشد تا ابناء آفاق را از علل و امراض روحانی معالجه نماید."

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۲۶

۹- اهمیت هنرها در ترویج امرالله

بیت العدل اعظم

مرکز جهانی بهائی

دارالانشاء

۱۹ آگست ۱۹۹۸

محافل مقدّسه روحانیّه ملیّه

یاران عزیز

اشارهٔ بیت‌العدل اعظم در پیام مبارک ۱۵۳ بدیع به اهمیت هنرها احبّای الهی را در بسیاری از ممالک عالم به ابداع و اقدام به فعالیت‌هایی در جهت استفاده از اشکال مختلف و متنوع هنر در ترویج و اعتلاء امر تبلیغ تشویق نمود. تعدادی از محافل روحانیّه و یاران الهی پیشنهاد نمودند که مجموعه‌ای از بیانات و آثار در این خصوص تهیه گردد. این تقاضا به تصویب بیت‌العدل اعظم رسید و مجموعه‌ای تحت عنوان "اهمیت هنرها در ترویج امرالله" توسط دارالتحقیق بین‌المللی اکمال یافت که نسخه‌ای از آن ضمیمه می‌گردد. بیت العدل اعظم نحوهٔ ابلاغ محتوای آن به یاران منطقهٔ خود را به عهدهٔ شما محوّل می‌سازند تا به هر نحو که صلاح دانستید اتخاذ تصمیم نمایید.

با تحیات ابداع ابهی

دارالانشاء بیت‌العدل اعظم

اهمیت هنرها در ترویج امرالله

بیت‌العدل اعظم الهی در پیام منیع رضوان ۱۹۹۶ خطاب به بهائیان عالم، توجهٔ جمیع را به اهمیت هنرها، بالاخص هنرهای طرّاحی و نمایشی و ادبیات، در ابلاغ، توسعه و تحکیم امر بهائی معطوف فرمودند. مقصود از این مجموعه، شرح و بسط دادن این هدف و مفهوم می‌باشد. در حالی که در ترجمه‌های انگلیسی آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، اشارات بسیاری به "هنرها"^(۱) موجود است، لکن اصطلاح "هنر و فن" در بسیاری از فقرات مربوطه ممکن است ذهن را منحرف نماید، چه که معنای کلمهٔ اصلی غالباً شامل بُعد وسیعی از فعالیت‌ها مانند حرفه‌های صنعتی و تجاری گردد. مستخرجاتی که در این مجموعه آورده می‌شود، انتخاب شده‌اند، زیرا عمدهٔ بر هنرهای طرّاحی و نمایشی و ادبیات تأکید دارند.

۱- the arts این کلمه هم به معنای هنر و هم به معنای فن آمده است - م.

□ آثار حضرت بهاءالله

"یا هو. آفتاب حقیقی، کلمه الهی است که تربیت اهل دیار معانی و بیان، منوط به اوست و اوست روح حقیقی و ماء معنوی که حیات کل شیء از مدد و عنایت او بوده و خواهد بود و تجلی او در هر مرآتیی به لون او ظاهر. مثلاً در مرایای قلوب حکماء تجلی فرمود، حکمت ظاهر شد و همچنین در مرایای افنده عارفین تجلی فرموده بدایع عرفان و حقایق تبیان ظاهر شده." دریای دانش، ص ۱۰۳

"إِنَّا حَلَّلْنَا لَكُمْ إِصْغَاءَ الْأَصْوَاتِ وَالنَّعْمَاتِ إِيَّاكُمْ أَنْ يُخْرِجَكُمْ الْإِصْغَاءُ عَنْ شَأْنِ الْأَدَبِ وَالْوَفَارِ أَفْرَحُوا بِفَرَحِ أَسْمَى الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّهَتْ الْأَفْعَدَةُ وَ اتَّجَدَبَتْ عَقُولُ الْمُتَقَرِّبِينَ إِنَّا جَعَلْنَاهُ مِرْقَانًا لِعُرُوجِ الْأَرْوَاحِ إِلَى الْأَفْقِ الْأَعْلَى لِاتَّجَعْلُوهُ جِنَاحَ النَّفْسِ وَالْهَوَىٰ إِنِّي أَعُوذُ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ."

کتاب اقدس، بند ۵۱

"وَالَّذِينَ يَتْلُونَ آيَاتِ الرَّحْمَنِ بِأَحْسَنِ الْأَلْحَانِ أُولَئِكَ يُدْرِكُونَ مِنْهَا مَا لَا يُعَادِلُهُ مَلَكَوْتُ مَلَكِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَبِهَا يَجِدُونَ عَرَفَ عَوَالِمِي أَنِّي لَا يَعْرِفُهَا الْيَوْمَ إِلَّا مَنْ أَوْتِيَ الْبَصَرَ مِنْ هَذَا الْمَنْظَرِ الْكَرِيمِ قُلْ إِنَّمَا تَجِدُ بِالْقُلُوبِ الصَّافِيَةَ إِلَى الْعَوَالِمِ الرُّوحَانِيَّةِ الَّتِي لَا تُعْبَرُ بِالْبَيَارَةِ وَ لَا تُشَارُ بِالْإِشَارَةِ طُوبَى لِلْسَّامِعِينَ."

کتاب اقدس، بند ۱۱۶

"كُلَّمَا يَخْرُجُ مِنْ فَمِّهِ إِنَّهُ لَمُحْيِي الْأَبْدَانِ لَوْ أَنَّكُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ كَلَّمَا أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ بِأَمْرِهِ الْعَالِي الْمُنْعَالِي الْمُحْكَمِ الْبَدِيعِ إِذَا اسْتَشْرَقَ عَنْ أَفْقٍ فِيهِ شَمْسُ أَسْمِهِ الصَّنَاعِ بِهَا تَظْهَرُ الصَّنَاعُ فِي كُلِّ الْأَعْصَارِ وَ إِنَّ هَذَا الْحَقُّ يَقِينٌ وَ يَسْتَشْرِقُ هَذَا الْأِسْمُ عَلَى كُلِّ مَا يَكُونُ وَ تَظْهَرُ مِنْهُ الصَّنَاعُ بِأَسْبَابِ الْمُلْكِ لَوْ أَنَّكُمْ مِنَ الْمُؤَقِنِينَ كَلَّمَا تَشْهَدُونَ ظُهُورَاتِ الصَّنِيعَةِ الْبَدِيعَةِ كُلُّهَا ظَهَرَ مِنْ هَذَا الْأِسْمِ."

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۹۶

"هر نفسی که در امرالله ثابت و راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض می نمایند اوست مایه ظهور عالم و صنایع او و اشیاء ظاهره در او به امر سلطان حقیقی و مربی حقیقی."

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۸

"اشعار آن جناب فی الحقیقه هر کلمه آن مرآتیی بود که مراتب خلوص و محبت آنجناب بحق و اولیائش در او منطبق هینتاً لجنابک بما شربت رَحِیقِ الْبَيَانِ وَ سَلْسِبِلِ الْعِرْفَانِ وَ هِنْبَتاً لِمَنْ شَرِبَ وَ فَارَ وَ وَنِيلٌ لِلْعَافِلِينَ فِي الْحَقِيقَةِ بعد از مشاهده بسیار مؤثر افتاد چه که هم حاکی از نور وصال بود و هم مشتعل به نار فراق."

لوح مقصود، ص ۲۴

□ آثار حضرت عبدالبهاء

"ای بارید الهی... طيور انس در حدائق قدس باید آواز و شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را بوجد و پرواز آرند و در این جشن و بزم ربّانی چنان عود و رودی بسرود آرند و چنگ و چغانه بنوازند که شرق و غرب را سرور و شادمانی دهند و جهور و کامرانی بخشند حال تو آهنگ آن چنگ را بلند کن و سرود آن عود بزنی که بارید را جان بکالبد دهی و رودکی را آسودگی بخشی فاریابی را یتاب کنی و ابن سینا را بسینای الهی دلالت نمائی. و علیک التّحیّة و الثّناء"

مکاتیب ۵/ ص ۲۰۶-۲۰۵/ گنجینه، ص ۱۹۵/ امر و خلق ۳، ص ۳۶۴.

"امیدوارم که جمیع اشعار فارسی جمال مبارک را حفظ نمائی و به ابداع انغام در محافل و مجالس بخوانی. عنقریب این اشعار تطبیق با الحان انگلیسی گردد و در نهایت وجد و سرور این سرود به ملکوت ابهی رسد.

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۲

"شعبه موسیقی باید در نهایت اتقان باشد. این فن از فنون جلیله است، تحصیلش از لوازم این عصر سلطان احدیت. لکن باید اتقان نمود نه مثل دیگران ناقص گذاشت."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۳

"ای بلبل باغ الهی نغمه سزایی سبب سرور و شادمانی عالم انسانی است.

مستمعین به وجد و سرور آیند و سبب تحریک احساسات وجدانی گردد ولی این سرور و احساس موقت است و اندک زمانی و فراموش گردد. ولی الحمدلله تو آهنگ موسیقی را با نغمه ملکوتی آمیخته‌ای، جهان جان را شادمان کنی و الی الابد احساسات وجدانیّه را تحریک نمایی و باقی و برقرار ماند و ذکرش در مرور اعصار و قرون مستمر گردد.

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۳

"ای عبد بهاء موسیقی از علوم ممدوحه درگاه کبریاست تا در جوامع کبری و صوامع عظمی بآبدع نغمات ترتیل آیات نمائی و چنان آهنگی از مشرق اذکار بلند کنی که ملاء اعلی باهتر از آید. ملاحظه کن که نظر به این جهت فنّ موسیقی چه قدر ممدوح و مقبول است اگر توانی الحان و ایقاع و مقامات روحانی را بکار بر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن. آن وقت ملاحظه فرمائی که چقدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی بخشد. نغمه و آهنگی بلند کن که بلبلان اسرار را سرمست و بیقرار نمائی."

گنجینه حدود و احکام، ص ۱۹۶/ مکاتیب ۵، ص ۲۰۳/ امر و خلق ۳، ص ۳۶۴.

"از این که مشغول به اکمال صنعتی بسیار مسرورم زیرا صنعت در این دور بدیع عبارت از عبادت است هر چه بیشتر کوشی به خدا نزدیکتر گردی. چه موهبتی اعظم از این است که صنعت انسان مثل عبادت حق باشد یعنی چون قلم تصویر در دستت باشد مثل این است که در معبد به عبادت حق

مشغولی..."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۳

"از جمله خدمات فائده، تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است. حال الحمدلله شما در این خدمت سعی بلیغ دارید و جهدی عظیم. هر چه در این امر مهم اقدام بیشتر فرمایید تأییدات و توفیقات الهیه بیشتر ظاهر و آشکار گردد به درجه‌ای که خود شما حیران مانید و هَذَا امْرُؤٌ مَحْتَوِمٌ وَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ".
مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۴

"ای مرغ خوش الحان جمال ابهی این دور بدیع حجابات اوهام را خرق فرموده و تعصبات اهالی شرق را ذم و قدح نموده. در میان بعضی از ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم بود، ولی در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدسه تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است. فن موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رقت قلوب مغمومه. پس ای شهناز به آوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل به آهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان به هیجان آید و تبّتل و تصرّح به ملکوت ابهی کند."

گنجینه، ص ۱۹۴ / مستخرجانی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۳

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۴

"پس ای احبای الهی. جهد بلیغ نمائید تا شما مظهر این ترقیات و تأییدات

گردید و مرکز سنجحات رحمانیت شوید و مشرق انوار احدیت گردید و مروّج مواهب مدنیّت شوید، و در آن کشور رهبر کمالات انسانیت گردید و ترویج علوم و معارف نمایید و در ترقی بدایع و صنایع کوشید. تعدیل اخلاق نمایید و به خلق و خوی سبقت بر اهل آفاق جوئید اطفال را از سن شیرخواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد فضائل پیورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید. از هر علم مفیدی بهره‌مند نمائید و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید پر همت نمایید و متحمل مشقت کنید. اقدام در امور مهمه بیاموزید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمائید."
مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۵

"ای مظاهر الطاف الهی در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و معارف است و به نص صریح باید جمیع اطفال به قدر لزوم تحصیل فنون نمایند. لهذا باید در هر شهری و قریه‌ی مدارس و مکاتب تأسیس گردد و جمیع اطفال به قدر لزوم در شهر و لزوم قریه در تحصیل بکوشند."

آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۵۲.

"ای ابن ملکوت جمیع اشیاء با محبت الله نافع است و بدون محبت الله مضر و سبب احتجاب از ربّ الملکوت ولی با محبت الهیه هر تلخی شیرین شود و هر نعمتی گوارا گردد مثلاً نغمات موسیقی نفوس منجذبه را روح حیات بخشد ولی نفوس منهمک در نفس و هوی را آلوده به شهوات کند..."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۴

"ای مرغ خوش الحان منظومه‌هایت که در نهایت حلاوت بود قرائت گردید و سبب مسرت شد زیرا ترتیل روحانی بود و نغمه عشق و محبت الهی. تا توانی آغاز این آواز در انجمن راز نما تا دلها به وجد و طرب آید و به محبت الله دمساز گردد. فصاحت کلام و بلاغت معنی و حلاوت عبادت چون با الحان بدیع جمع شود بسیار تأثیر نماید علی الخصوص که ترتیل آیات توحید باشد و تمجید خداوند مجید. منتهای جهد و کوشش را مجری دار تا آن که اشعاری در نهایت ملاحظت و حلاوت تنظیم نمایی و به آهنگ ملکوت ترتیل کنی تا مانند بانگ سروش در عقل و هوش شنوندگان تأثیر نماید..."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۵

"ای محترمه حمد کن خدا را که نغمه و آهنگ آموختی و به ستایش و محامد حی قیوم در محافل و معابد به لحن خوشی می‌نوازی. از خدا خواهم که این هنر را در نماز و نیاز به کار بری تا قلوب زنده گردد و نفوس منجذب شود و کل به نار محبت الهی افروخته شوند."

پیام آسمانی، ج ۲، ص ۴۵

"در رتبه اولیه در عالم طبیعت ادراکات نفس ناطقه است و در این ادراکات و در این قوه جمیع بشر مشترکند خواه غافل خواه هشیار، خواه مؤمن خواه گمراه. و این نفس ناطقه انسانی در ایجاد الهی محیط و ممتاز از سایر کائنات است. و چون اشرف و ممتاز است لهذا محیط بر اشیا است. از قوه نفس ناطقه ممکن که حقایق اشیا را کشف نماید و خواص کائنات را ادراک

کند و به اسرار موجودات پی ببرد. این فنون و معارف و صنایع و بدایع و تأسیسات و اکتشافات و مشروعات کل از ادراکات نفس ناطقه حاصل."

مفاوضات، ص ۱۶۵.

□ از بیانات و خطابات حضرت عبدالبهاء

"چه محفل باشکوهی، چه محفل باشکوهی اینها اطفال ملکوتند. سرودی که هم اکنون اصغاء نمودیم هم از نظر آهنگ و هم از نظر شعر بسیار زیبا بود. هنر موسیقی آسمانی و مؤثر است. موسیقی مائده روح و جان است. با نیروی سحرآمیز موسیقی روح انسانی تعالی می‌یابد. موسیقی هیجان و تأثیر شدیدی در قلوب اطفال ایجاد می‌کند زیرا قلوبشان پاک و بی‌آلایش است و نغمات موسیقی در آن تأثیر شایان دارد و استعدادهاى نهفته‌ای که در قلوبشان به ودیعه نهاده شده از طریق موسیقی ظهور و بروز می‌نماید. پس شما سعی کنید تا آن استعدادها را به حد کمال برسانید و به آنها بیاموزید که بالحنی دلپذیر و مؤثر بخوانند. هر طفلی باید قدری موسیقی بداند. زیرا بدون اطلاع از این هنر لذت واقعی از الحان و نغمات خوش میسر نخواهد گشت. ایضاً لازم است که در مدارس موسیقی تعلیم داده شود تا روح و قلب محصلین مستبشر گردد و حیاتشان به نور شادی منور شود."

مستخرجاتی از آثار مبارکه درباره موسیقی، ص ۶۰.

هنر پیشه‌ای به ذکر نمایش و تأثیر آن پرداخت. حضرت عبدالبهاء فرمودند: "نمایش از اهمیت بسیاری برخوردار است. در گذشته ایام دارای قدرت آموزشی عظیم بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود." ایشان توضیح دادند که در ایام طفولیت شاهد نمایش عرفانی مصیبت حضرت علی و خیانت به آن حضرت بودند و چقدر این نمایش بر ایشان تأثیر عمیق گذاشت تا گریستند و لیالی متوالی بسیاری را نتوانستند بخوابند. (ترجمه)

نقل از کتاب 'Abdu'l-Baha in London: Addresses and Notes of Conversations (Oakham: Baha'i Publishing Trust, 1987, p.93.

"هنر موهبت روح القدس است. وقتی در ذهن موسیقی دانی متجلی می‌گردد، به صورت نغمات بدیع جلوه می‌نماید و هنگامی در روح شاعری جلوه‌گر می‌شود، به صورت اشعار ناب و نثر شاعرانه ظهور می‌کند. وقتی شعاع شمس حقیقت بر روح نقاشی می‌تابد، او را به خلق تصاویر زیبا موقف می‌سازد. عالی‌ترین مقصد خویش را هنگامی جلوه‌گر می‌سازد که در حمد و ستایش پروردگار بی‌همتا باشد." (ترجمه)

(لیدی بلامفیلد، شاهراه منتخب، ویلمت، مؤسسه نشر آثار امری ۱۹۵۳، ص ۱۶۷)

"طبیعی است که قلب و روح از جمیع آنچه که دارای تقارن، هماهنگی و کمال است لذت ببرند و مسرور شوند. فی‌المثل، یک خانه زیبا، یک باغ مرتب و منسق، یک خط متقارن، یک حرکت موزون، یک کتاب جاذب و جالب، البسه

خوشایند و دلپذیر... در واقع جمیع آنچه که بنفسهم دارای لطف و جمالند برای قلب و روح خوشایند و مطبوع هستند... لهذا محقق است که صدای حقیقی مورث التذان عمیق می‌گردد." (ترجمه)

بیانات حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم مری لوکاس که در کتاب "گزارشی کوتاه از دیدار من از عکا" (شیکاگو، انجمن مطبوعات امری، ۱۹۰۵) صفحه ۱۴-۱۱ نقل شده است.

□ آثار حضرت ولی امرالله

"این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است. همچنین توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتتهیات نفسانیّه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفرطه‌ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت به حضیض ذلت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلائش‌های مضره و اعتیادات دنیئه نالایقه است. این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلااستتار در مرآی ناس و یا آمیزش بر طریق مصاحبت و یا بیوفائی در روابط زناشویی و به طور کلی هر نوع ارتباط غیرمشروع و هرگونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن

المهیة را محکوم و ممنوع می‌نماید و به هیچوجه با اصول و موازین سیّئه و شئون و آداب غیرمرضیّۀ عصر منحلّ و رو به زوال کنونی موافقت نداشته، بلکه با ارائه طریق و اقامۀ برهان و دلیل، بطلان این افکار و سخافت این اذکار و مضارّ و مفسدت اینگونه آلودگی‌ها را عملاً مکشوف و هتک احترام از نوامیس و مقدّسات معنویّۀ منبعث از تجاوزات و انحرافات مضلّه را ثابت و مدلل می‌سازد." ظهور عدل الهی، ص ۶۴-۶۳.

□ از مکاتیب محرّره از قبل حضرت ولی امرالله

"حضرت ولی امرالله فرمودند وصول مکتوب مورّخ ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱ شما به انضمام موسیقی "غریبۀ تنها"^(۱) را اعلام نمایم...

"هیكل مبارک صمیمانه امیدوارند که به موازات توسعه امر و ورود نفوس مستعد تحت لوای آن، این نفوس آن روح الهی را که جان‌های ایشان را به اهتزاز درآورده در هنر خود متجلی سازند. هر دیانتی قسمتی از هنر را با خود همراه آورده است، حال وقت آن است که شاهد بدایعی باشیم که این امر مقدّس با خود به ارمغان خواهد آورد. چنین روح عظیم و پرجلالی باید سبب ظهور و تجلی هنری جلیل باشد. مشرق الانکار با همه زیبایی خود صرفاً از

نتایج سحر است. پاش تا صبح دولتش بدمد." (ترجمه) ۱۱ دسامبر ۱۹۳۱

"آن حضرت مایلند در کتاب عالم بهائی فصلی جدید را شروع کنند که منحصراً به اشعار سروده شده توسط احبّاء اختصاص داشته باشد. حضرت ولی امرالله مایلند به این وسیله نفوس مستعدّه را که می‌توانند روح محیی را به نحوی بیان کنند، مورد تشویق قرار دهند. ما برای امر مبارک به شعراء و نویسندگان احتیاج داریم و این وسیله بلاتردید راهی مساعد و مفید برای ترغیب آنها است. برخی از اشعار توسط نفوس بسیار جوان نوشته شده است، مع کلّ ذلک چنان طنینی از حقیقت دارند و افکار را آنچنان بیان می‌دارند که هر نفسی باید تأمل و تحسین نماید. امر مبارک در ایران شعرائی را به وجود آورده است که حتی اغیار آنها را از اعظم شعراء محسوب می‌دارند. امیدواریم عنقریب نفوس مشابهی را داشته باشیم که در غرب قیام نمایند." (ترجمه)

مورّخ ۲ ژانویه ۱۹۳۲ خطاب به یکی از احبّاء.

"تردیدی نیست که با گسترش روح امر حضرت بهاءالله، عصر جدیدی در زمینه هنر و ادبیات طلوع خواهد نمود. از قبل قالب به مرحله کمال رسیده اما فاقد روح و محتوی بود. حال روحی جلیل و عظیم در قالبی تجلی نموده که به واسطه نبوغ احیاء شده عالم پیشرفتی بی‌اندازه نموده است." (ترجمه)

۳ آوریل ۱۹۳۲

"حضرت ولی امرالله فرمودند وصول مکتوب مورّخ ۱۸ می ۱۹۳۲ شما اعلام گردد. ایشان از وقوف بر این نکته که "مطالع الانوار" را بسیار دوست داشتید، خیلی مسرور شدند، زیرا اجر اعظم برای ایشان این است که مشاهده نمایند این اثر که زحمت و مرارت بسیاری را برای آن متحمّل شدند، برای درک بهتر و کاملتر روح حیات بخش به این نهضت و حیات نمونه ابطالی که طلایه ظهور آن در عالم بودند، به یاران مساعدت می نماید."

حضرت ولی امرالله عمیقاً امیدوارند که با مطالعه این کتاب یاران به فعالیت عظیم تر و ایثار بیشتر ترغیب و تشویق گردند، و نسبت به امر مبارک که اتّسع آن و ظفر و نصرت غائی آن به احبّاء سپرده شده است، درکی عمیق تر بیابند. بنا به اظهار بعضی از نفوس که این کتاب را مطالعه کرده اند، احدی نمی تواند با آن نفوس آشنائی یابد و به ادامه راه آنها تشویق نگردد.

مطمئنأً روح این ابطال بسیاری از هنرمندان را برخواهد انگیزت که بهترین آثار خود را به وجود آورند. چنین نفوسی هستند که درگذشته ایام شعراء را الهام بخشیدند و اقلام نقّاشان را به حرکت آوردند." (ترجمه)

مورّخ ۲۰ جون ۱۹۳۲ خطاب به یکی از احبّاء.

"حضرت ولی امرالله از وقوف بر توفیق «نمایش ملل» که شما خلق نموده اید بسیار مشعوف شدند. ایشان صمیمانه امیدوارند که جمیع نفوس حاضر و شاهد این نمایش، از همان روحی که شما را موقع خلق آن احبّاء

نموده الهام بگیرند.

از طریق ارائه چنین نمایش هایی است که ما می توانیم توجه تعداد کثیری از نفوس را به روح امر مبارک جلب نمائیم. یومی فزاخواهد رسید که امرالله مانند شعله آتش سرکش، گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و تعالیم امرالله بر روی صحنه یا به طور کلی در قالب هنر و ادبیات عرضه خواهد گردید. هنر به مراتب بهتر از استدلال سرد و بی روح به خصوص در میان توده مردم می تواند احساسات و عواطف متعالیه و شریفه را بیدار نماید.

فقط سنین معدودی را باید صبر و اصطبار پیشه نمائیم تا مشاهده کنیم چگونه روح القاء شده توسط حضرت بهاءالله در آثار هنرمندان، فرصت ظهور و بروز خواهد یافت. آنچه که شما و بعضی از احبّاء سعی دارید انجام دهید تنها شعاع های ضعیفی است که تلالؤ درخشان صبحی پرشکوه را بدنبال خواهد داشت. ما هنوز نمی توانیم نقشی را که مقدر است امر مبارک در حیات جامعه ایفا نماید ارزیابی نمائیم. باید منتظر گذر زمان بود. ماده ای که این روح باید به آن شکل بخشد بسیار خام و بی ارزش است. لکن مآلاً تسلیم خواهد شد و امر حضرت بهاءالله در نهایت جلال و عظمت، خود را ظاهر و بارز خواهد ساخت." (ترجمه)

۱۰ اکتبر ۱۹۳۲

"حضرت ولی امرالله ارزش بسیاری برای سروده های امری که تصنیف نموده اید، قائلند. آنها در واقع شامل حقایق امریه می باشند و به شما در ابلاغ

کلمه الهی به یاران جوان خصوصاً کمک خواهد نمود. برای اثر بخشیدن در روح انسانی موسیقی وسیله مهمی است که ما را در ارتباط روحی کمک می نماید. حضرتشان امیدوارند که با استعانت از موسیقی، شما قادر شوید که پیام الهی را به مردم ابلاغ کنید و قلوبشان را مجذوب سازید."

مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۱۳.

"مقصد حضرت بهاءالله از بیان مبارک "علمی که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد"^(۱) در وهله اولی آن گونه رسائل و تفسیرات مربوط به علوم دینی و الهیات است که به جای آنکه مددی در نیل به حقیقت باشد، باری سنگین بر ذهن انسان می نهد.^(۲) محققین این علوم عمر خود را وقف مطالعات می نمایند اما به هیچ مقصدی واصل نمی گردند. مطمئناً مقصود حضرت بهاءالله ابداً قرار دادن داستان نویسی در این مقوله نبوده است. تندنویسی و ماشین نویسی، هر دو از قابلیت های بسیار مفیدی هستند که در حیات اجتماعی و اقتصادی جاری ما بسیار لازم و ضروری اند.

آنچه که شما می توانید و باید انجام دهید این است که از داستان های خود به نحوی استفاده کنید که برای نفوسی که آنها را می خوانند، منبع الهام و هدایت شوند. به این وسیله ای که در اختیار شما است، شما می توانید

۱- ملحقات کتاب اقدس، ص ۱۸۱.

۲- تا این قسمت از ترجمه بیان مبارک، از صفحه ۱۸۲ ملحقات کتاب اقدس نقل گردید -م.

مصائب و خطیات موجود در جامعه و نیز طُرُق ازاله و اصلاح آنها را ارائه نمایند. اگر شما دارای استعداد واقعی در نویسندگی هستید، باید آن را به عنوان موهبتی الهی تلقی کنید و سعی نمائید از آن برای اصلاح و اعتلاء جامعه استفاده کنید." (ترجمه)

مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۳۲، خطاب به یکی از احبّاء.

"شعری را که در وصف جناب نبیل سروده اید عمیقاً در من تأثیر نمود... از هر گونه اشعار دیگری که از قلم خوش قریحه و خوش طبع شما در خصوص هر دوره یا واقعه بیان شده در تاریخ فنا ناپذیر جناب نبیل جریان یافته باشد، مشتاقانه استقبال می نمایم." (ترجمه)

مورخ ۶ اگست ۱۹۳۲ به خط مبارک در حاشیه نامه ای که از قبل هیکل مبارک خطاب به یکی از احبّاء نوشته شده، مرقوم گردیده است.

"در باره سؤال مهمی که درباره اجرای سرودهای امری در جلسات عمومی بهائی مطرح نموده اید، هیکل مبارک فرمودند بنویسم که ایشان هیچگونه نظر مخالفی با این امر نداشته و ندارند. موسیقی بدون شک قسمت مهمی از برنامه اجتماعات بهائی است و حضرت مولی الوری اهمیت آن را تذکر داده اند ولی یاران در این باره و درباره امور دیگر نباید از حد اعتدال خارج گردند. باید دقت فراوان مبذول دارند که حالت روحانی جلسات محفوظ ماند. موسیقی باید هادی به سوی روحانیات باشد و اگر چنین

حالتی را ایجاد نماید هیچگونه مخالفتی با آن نخواهد بود.

ولی یک فرق بسیار مهم و اساسی بین سرودهای تصنیف شده توسط یاران و تلاوت آثار الهی با صوت باید قائل شد.^۱

نقل ترجمه از صفحه ۱۳ مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی.

"و اما در خصوص سؤال شما در این خصوص که آیا مصلحت ایجاب می‌کند که وقایع تاریخی امر بهائی به صورت نمایش ارائه گردد، حضرت ولی امرالله مسلماً مورد تأیید قرار می‌دهند و حتی تشویق می‌فرمایند که یاران باید به چنین فعالیت‌های ادبی، که بالاترید می‌تواند ارزش تبلیغی وسیع و عظیمی داشته باشد، مشغول گردند. آنچه که ایشان مایلند یاران از آن اجتناب نمایند این است که شخصیت حضرت اعلی، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را به صورت نمایش در آورند، به این معنی که از آنها به عنوان شخصیت‌های نمایشی، اشخاصی که بر روی صحنه ظاهر می‌شوند، استفاده ننمایند. همانطور که قبلاً خاطر نشان شد، ایشان معتقدند که چنین اقدامی کاملاً هتک حرمت آن نفوس مقدسه است. صرف این نکته که آنها بر صحنه ظاهر شوند عبارت از یک بی‌احترامی است که به هیچ وجه با مقام بسیار متعالی ایشان هماهنگی ندارد. پیام، یا عین کلام ایشان، باید مرجحاً توسط پیروان و مؤمنین ایشان که بر صحنه ظاهر می‌گردند بیان شده منتقل گردد." (ترجمه)

مؤرخ ۲۵ جولای ۱۹۳۶ خطاب به یکی از احباء.

"حضرت ولی امرالله پس از اینکه از علاقه شما به موسیقی و همچنین نیت شما که از این طریق به امر مبارک خدمت نمائید مطلع شده و بسیار خرسند گردیدند.^(۱) اگر چه امروز فقط طلیعه هنر بهائی است مع هذا یارانی که احساس می‌کنند در چنین زمینه‌هایی واجد استعداد هستند، باید بکوشند که استعدادهای خود را شکوفا کنند و بارور سازند و روح الهی را که حضرت بهاءالله در جهان دمیده است - هر چند به صورت محدود - در آثارشان منعکس سازند." (ترجمه)

۴ نوامبر ۱۹۳۷

"شما در عین حال به طرح این مسئله پرداخته‌اید که سرچشمه الهام موسیقی دانان و آهنگسازان بهائی چه باید باشد. آیا ما باید به موسیقی گذشته ناظر باشیم یا به کلمه‌الله؟ ما که در آستانه فرهنگ بهائی ایستاده‌ایم به هیچ وجه نمی‌توانیم اشکال و خصوصیات آینده را که ملهم از این ظهور ابداع اعظم می‌باشد پیش‌بینی کنیم. فقط می‌توانیم از این امر مطمئن باشیم که هنرهای آینده بدیع خواهند بود؛ از آنجا که هر ظهوری مولد فرهنگی بوده که به شکل‌های مختلف شکوفا گردیده، می‌توان انتظار داشت که این امر نازنین

۱- از این قسمت تا آخر این بند در صفحه ۱۵ مستخرجاتی درباره موسیقی به این صورت ترجمه شده است، "اگر چه اکنون سرآغاز و طلیعه هنر بهائی است ولی یارانی که در این زمینه‌ها استعدادی در خود احساس می‌کنند باید آن را تقویت و تکمیل نمایند و از این طریق روح جدید الهی که به وسیله حضرت بهاءالله در آفاق دمیده شده است ولو به طور محدود منتشر نمایند."

نیز به طریقی مشابه عمل کند. ولی هنوز زمان مناسب فرا نرسیده که سعی کنیم به کیفیت هنرهای مزبور پی ببریم." (ترجمه)

۲۳ دسامبر ۱۹۴۲، به یکی از افراد احبا

"موسیقی به عنوان یک هنر یک پدیده طبیعی فرهنگی است و حضرت ولی امرالله را عقیده بر آن نیست که در جهت پرورش "موسیقی بهائی" به بذل مجهودات پرداخت، همانطور که در جهت ایجاد مکتب نقاشی یا نویسندگی بهائی نیز تلاشی صورت نمی‌گیرد. احباء مختارند که مطابق ذوق و قریحه خود به نقاشی و نویسندگی و آهنگسازی بپردازند اگر تصنیف موسیقی با استفاده از آثار الهی صورت پذیرد یاران در استفاده از آن آزادند ولی اجراء چنین تصنیفاتی در مجامع بهائی به هیچ وجه نباید ضرورت به حساب آید. هر چه یاران الهی از چنین حالات و اشکال تثبیت شده بیشتر برکنار باشند بهتر خواهد بود زیرا باید دریابند که امر الهی امری مطلقاً جهانی است و آنچه در نظر ایشان به برگزاری فی‌المثل یک جلسه ضیافت و غیره زیبایی می‌بخشد چه بسا در نزد مردمان کشورهای دیگر نامطلوب آید و برعکس. مادام که ایشان موسیقی را به خاطر خود موسیقی می‌پسندند بر ایشان بآسی نیست ولی نباید به آن نام موسیقی بهائی ببنهند." (ترجمه)

۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملّیه

"... ایشان مایلند توجه آن محفل را به یک موضوع بسیار مهم جلب نمایند

و آن عبارت از ترکیب خوشنویسی شده اسم اعظم است. در نظرگاه یک فرد غربی، که در زمینه هنر خوشنویسی که عالی‌ترین هنر تکامل یافته شرق است، تعلیم نیافته باشد، تقریباً هر اسم اعظمی، اگر تجسم‌بخش نکات برجسته باشد، اسم اعظم محسوب می‌گردد. لکن در نظر یک فرد شرقی ممکن است زشت و فاقد جمال جلوه نماید... آنچه که باید ملحوظ گردد، تناسبات دقیق است. اسم اعظم نباید برای جا گرفتن در یک فضای مستطیلی یا مدور، از طرفین یا به طرف بالا کشیده شود." (ترجمه)

مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۴۸ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملّیه.

"یک کانادائی فرانسوی تبار، که به بصیرت و مهارت خویش به واسطه طراحی، به ترسیم خصوصیات و ویژگی‌های اولین مشرق‌الانکار غرب اقدام نمود، اولین مجهودات را، هر چند ناقص و ابتدائی برای بیان جمالی رقم زد که هنر بهائی در اوج کمال خود در مقابل عیون اهل عالم شکوفا خواهد ساخت." (ترجمه)

اؤل مارچ ۱۹۵۱، نقل از بی‌نوشت حضرت ولی امرالله بر مکتوبی که از طرف آن حضرت خطاب به یکی از محافل روحانیه ملّیه مرقوم شده است.

"موسیقی یکی از هنرها است و انبیاء الهی به تعلیم هنرها نمی‌پردازند؛ اما انگیزه و تحرک فرهنگی عظیمی که دین به جامعه اعطاء می‌کند، تدریجاً اشکال جدید و بدیعی از هنر ایجاد می‌نماید. ما شاهد این تأثیر در سبکهای

مختلف معماری و نقاشی مرتبط با تمدن‌های مسیحی، اسلامی، بودائی و سایر مدنیت‌ها هستیم. موسیقی نیز به عنوان یکی از تجلیات و وسیله ابراز احساسات رشد کرده است.

ما معتقدیم که در آتیه ایام، وقتی که روح امر بهائی در عالم نفوذ کرده و جامعه را عمیقاً متحول نموده باشد، موسیقی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد ولی اکنون چیزی به نام موسیقی امری وجود ندارد. تمام آنچه که در تعالیم مبارکه در خصوص موسیقی گفته می‌شود این است که می‌تواند در قلب و روح انسان عمیقاً نفوذ نماید و در ارتقاء و اعتلاء تأثیری شدید دارد." (ترجمه)

مورخ سوّم فوریه ۱۹۵۲ خطاب به یکی از احباء.

"در آثار مبارکه هیچ مخالفتی با هنر رقص نمی‌بینیم اما یاران باید همواره موازین اعتدال و عفت و عصمت را به خاطر داشته باشند. جو تالارهای رقص امروزه که آکنده به دخان و مصرف مسکرات و بی‌بند و باری است بسیار ناپسند است ولی رقص‌های توأم با متانت به نفس هیچ ضرری ندارد. همچنین شرکت در فعالیت‌های نمایشی هیچ ضرری ندارد و نیز ترتیب ایفای نقش در سینما. مسئله اصلی امروزه مربوط به نفس هنرها نیست بلکه فساد تأسف باری است که این هنرها را احاطه کرده. به عنوان بهائی مکلف به اجتناب از هیچ هنری نیستیم ولی باید از جو نامساعد و حرکاتی که ملازم این حرفه‌ها گشته اجتناب نمود." (ترجمه)

۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ به یکی از محافل روحانیه ملّیه

□ پیام‌های صادره از معهداعلی یا محرّره از سوی بیت‌العدل اعظم

"جایگاه اقدامات تبلیغی بنفسه باید کاملاً درک شود و متین و موقر و توأم با احترام باشد. یک اقدام متظاهرانه و افراطی که ممکن است در جذب توجهات اولیّه زیادی به امر مبارک موقّق شود، بالمآل می‌تواند ثابت کند که موجد انحرافی شده که غلبه بر آن مستلزم بذل مساعی عظیمه است. معیار وقار و متانت و احترام که توسط حضرت ولی محبوب امرالله وضع شده است بالاخص در اجرای موسیقی و نمایش، همواره باید رعایت گردد. شمایل مبارک حضرت مولی‌الوری نباید همیشه و همه جا بدون استثناء مورد استفاده قرار گیرد. این بدان معنی نیست که فی المثل فعالیت‌های جوانان باید عقیم گذاشته شود؛ شخص می‌تواند بدون هتّاک و بی‌حرمتی یا ضایع کردن متانت و شأن امر الهی، پر شور و شوق و با نشاط باشد." (ترجمه)

دستخط معهداعلی مورخ ۲ جولای ۱۹۶۷ خطاب به کلبّه محافل روحانیه ملّیه

"... معتقدیم که اطلاع شما بر این نکته مفید خواهد بود که سرودهایی که کلمات آن را نصوص مبارکه حضرت اعلی، حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء تشکیل می‌دهند، برای قسمت روحانی ضیافت کاملاً مناسب هستند. مسلماً، تلاوت مناجات به لحن فارسی بر حسب سنتی متفاوت،

عبارت از چنین سرودهایی است. این تلاوت آثار، طریقه‌ای برای آهنگ و موسیقی گذاشتن بر روی کلمات مبارکه است و هر شخصی که به تلاوت می‌پردازد، به نحوی این کار را انجام می‌دهد که عواطف خود وی و تجلی کلمات مبارکه‌ای را که بیان می‌دارد، منعکس می‌سازد. و اما در خصوص سرودهایی که کلمات آن منظوم هستند و تصنیف‌های نفوسی غیر از طلعات مقدّسه امر مبارک می‌باشند؛ هر چند آنها نیز می‌توانند مساعد و مطلوب باشند، اما در جای خود باید استفاده شوند...

از آنجا که اجتماعات ما تا این درجه متأثر از آهنگ و کیفیت عبادت ما و تحت تأثیر احساسات و درک ما از کلام الهی در این یوم است، امیدواریم که شما، با استفاده از موسیقی و سایر روش‌های احساس برانگیز، جمیل‌ترین تجلی ممکن از احساسات روحانی را در جوامع خود تشویق و ترغیب نمائید." (ترجمه)

دستخط مورخ ۱۱ فبروری ۱۹۷۱ مهادعلی خطاب به یک محفل روحانی ملی

"این استنباط شما صحیح است که به تصویر درآوردن حضرت باب و حضرت بهاءالله در آثار هنری ممنوع می‌باشد. حضرت ولی امرالله تصریح فرموده‌اند که این ممنوعیت درباره کلیه مظاهر مقدّسه مصداق دارد. استفاده از عکس‌ها و شمایل حضرت عبدالبهاء در کتاب‌ها مجاز است ولی به هیچ وجه نباید آن حضرت را در آثار نمایشی، به عنوان یکی از شخصیت‌های نمایش به تصویر درآورد. به هر حال نسبت به ارائه نمادین

چنین هیاکل مقدّسه‌ای مخالفتی وجود ندارد مشروط بر آنکه به صورت رسم و آئین درنیاید و نمادی که مورد استفاده قرار گرفته خارج از قواعد ادب نباشد." (ترجمه)

۳ دسامبر ۱۹۷۲

"اگر چه کاملاً صحیح است که افراد هنرمندی چون مارک توبی^(۱) و سایرین بلا تردید ملهم و متأثر از محبتی بوده‌اند که به امر مبارک حضرت بهاءالله داشته‌اند، لکن در دور بهائی هنوز بسیار زود است که در مورد تأثیر و نفوذ امر الهی بر هنرها به طور اعمّ سخنی گفته شود. مسلماً حضرت ولی محبوب امرالله بنفسه المبارک خاطر نشان فرموده‌اند که هنوز چیزی به عنوان هنر بهائی وجود ندارد اگر چه از بیانات مندمج در آثار مبارکه تردیدی نمی‌توان روا داشت که تبلور و شکوفائی بدیع هنرهای جدید و زیبایی را می‌توان در آتیه ایام انتظار داشت." (ترجمه)

دستخط مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۷۳ بیت‌العدل اعظم خطاب به یک محفل روحانی ملی

"حضرت ولی امرالله این نکته را تصریح فرموده‌اند که شکوفائی هنرها که نتیجه ظهور الهی است، چند قرن طول خواهد کشید. دیانت بهائی تجدید بنای کامل جامعه انسانی را به عالم عرضه می‌کند. آنچنان بازسازی وسیع

۱- Mark Tobey، نقاش معاصر بهائی، مکتب نیویورک.

و فراگیر و با تأثیرات فراوانی که موعود همه ظهورات گذشته بوده و تأسیس ملکوت الهی بر بسیط غبراء خوانده شده است. معماری جدید که منبعث از امر الهی خواهد بود، چندین نسل بعد از این شکوفا خواهد گردید. ما اینک صرفاً در آغاز این فرایند عظیم هستیم.

دوران کنونی ایام تغییر و تحول است. معماری همانند همه رشته‌های علمی و هنری دستخوش تغییرات بسیار سریعی است. کافی است نظری به تغییراتی که در چند دهه اخیر واقع شده بیفکنیم تا تصویری از تحولات احتمالی آینده به دست آوریم. بی‌تردید برخی از بناهای مدرن واجد نشانه‌های عظمت است و دوام خواهد آورد. ولی چه بسا که عمده آنچه امروز ساخته می‌شود در طی چند نسل آینده خام و زشت به نظر آید. به عبارت دیگر، معماری مدرن را می‌توان تحول جدیدی دانست که در مرحله جنینی است. اما معماری کلاسیک یونان نمونه‌ای از یک مکتب هنری بالغ می‌باشد که بسیار زیباست و زیبایی خود را در طی چند هزاره که از ساخت آن می‌گذرد حفظ نموده است.

بنائی که ما امروز در صدد احداث آن هستیم قرار است صدها سال مورد استفاده باشد و بخشی از مجموعه ساختمان‌های حول قوس کوه کرمل است که باید از نظر سبک با هم هماهنگ باشند به این جهت است که ما سبکی را اتخاذ نموده‌ایم که ثبات و اعتبار آن به اثبات رسیده است نه سبک مدرنی که چه بسا چندان نپاید." (ترجمه)

۱۸ ژوئیه ۱۹۷۴ نامه‌ای خطاب به یکی از افراد احبا

"بیت‌العدل اعظم بر این عقیده هستند که در این ایام، توسعه نطاق امرالله و تهیه و تدوین نقشه‌هایی برای حصول اهداف معین شده در الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء وظیفه اولیه می‌باشد و نظریه‌های مربوط به هنرها، فنون و علوم باید تحت نظر نفوسی که در این زمینه‌ها مجرب و متخصص هستند تهیه گردد و توسعه یابد." (ترجمه)

پیام مورخ ۱۸ جولای ۱۹۷۴ که از طرف معهداعلی خطاب به یکی از احباء نوشته شده است.

"ممنوعیت نمایش مظهر ظهور الهی در کارهای نقاشی یا گرافیک و یا ارائه نمایشی در تئاتر در مورد تمام مظاهر الهی مصداق دارد. البته ما با آثار بزرگ و شگفت‌انگیز ادوار گذشته مواجه هستیم که بسیاری از آنها مظهر ظهور را با روحیه‌ای توأم با وقار و عشق به تصویر درآورده‌اند. ولی در این دور بلوغ افزونتر نوع بشر و آگاهی زیاده‌تر نسبت به رابطه بین مظاهر ظهور متعالیه الهی و بندگان او، ما را قادر می‌سازد که درک کنیم نمایش شخص مظهر الهی به شکل‌های بشری در تصویر یا تندیس و یا نمایش محال و غیرممکن است. حضرت ولی امرالله در بیان ممنوعیت این کار در آئین بهائی، به نکات فوق اشاره فرموده‌اند." (ترجمه)

۹ مارس ۱۹۷۷

"همین قوای مخرب، توازن سیاسی، اقتصادی، علمی، ادبی و اخلاقی عالم را نیز بر هم می‌زند و عالی‌ترین اثمار مدنیت حاضر را نابود می‌سازد... حتی موسیقی، هنر و ادبیات که باید مظهر و الهام‌بخش شریف‌ترین احساسات و عالی‌ترین منویات و منشأ و منبع سکون و آسایش برای نفوس مضطربه باشند، از صراط مستقیم منحرف شده و هم‌اکنون مرایای قلوب آلوده این عصر مبهوت غیراخلاقی و عنان‌گسیخته هستند." (ترجمه)

پیام مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ معهداعلی خطاب به احبای ایرانی سراسر عالم

"به طور کلی، افسانه سرائی که نویسندگان امیدوارند از آن طریق به ارتقاء و ترویج معارف امری مساعدت نماید، اگر در زمینه‌ای از وقایع خاص یا جریان‌های در حال توسعه امرالله قرار داده شود، و برای توضیح و تشریح نفس وقایع حقیقی تاریخی و نفوسی که در آن وقایع شرکت داشته‌اند استفاده شود، در حصول این هدف تأثیر بیشتری خواهد داشت. واقعیت رخدادهای حقیقی و نفوس واقعی به مراتب بیشتر از حکایات افسانه‌ای اطمینان بخش است. در این رابطه منشی حضرت ولی امرالله از قبل هیکل مبارک^(۱) چنین مرقوم داشت:

"ایشان افسانه را به عنوان وسیله‌ای جهت تبلیغ توصییه نمی‌فرمایند؛ شرایط عالم حادث‌تر از آن است که در عرضه مستقیم تعالیم مبارکه مرتبط با

۱- در تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۴۵ خطاب به یکی از احبء.

اسم مبارک حضرت بهاءالله به اهل عالم تأخیر روا باشد. لکن هر گونه اقدام مناسبی در امر الهی که هر گروهی را مجذوب سازد، ارزش بذل مساعی را دارد، چه که ما مایلیم امر الهی را به اطلاع جمیع نفوس، از جمیع طبقات اجتماع و هر نوع طرز تفکری، برسانیم." (ترجمه)

دستخط مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ از طرف معهداعلی خطاب به یکی از احبء.

"مکتوب شما... در خصوص هنر دریافت شد و بیت‌العدل اعظم امر فرمودند که در مورد طرح شما توصییه گردد که از استعداد و قریح هنری خود برای بیان روح تعالیم حضرت بهاءالله استفاده کنید. معهداعلی صمیمانه شما را به تعقیب هدف خود تشویق می‌فرمایند...

"در پاسخ به نامه شما که در مورد بهترین روش ابلاغ امر مبارک به هنرمندان راهنمایی خواسته بودید می‌توان گفت: علاوه بر روش‌هایی که مردم را به طور کلی جلب می‌نماید هنرمندان به هنر حساس هستند. هنگامی که تعالیم متعالی امر الهی در آثار هنری متجلی می‌گردد قلوب مردم، من جمله هنرمندان متأثر می‌شود. بیانی از آثار مقدسه یا توصیف هنر در ارتباط با آثار مقدسه ممکن است باعث شود که مخاطب آثار هنری، منبع این جاذبه روحانی را درک نماید و به مطالعه بیشتر درباره امر مبارک رهنمون گردد." (ترجمه)

"با تکوین جامعه بهائی که مشتمل بر اقوامی با مبادی فرهنگی گوناگون و سلائق متفاوت می‌باشند که هر یک از آنچه از نظر زیبایی‌شناسی قابل قبول و دلپذیر است دریافت خاصی دارند، بهائینی که از استعداد موسیقی - نمایش و هنرهای تجسمی برخوردار هستند، مختارند که از این هنرها به روش‌هایی که به امر الهی خدمت خواهد کرد بهره گیرند. ایشان نباید از عدم درک احبای مختلف مضطرب شوند بلکه با درک آثار مهم امر الهی درباره موسیقی و جلوه نمایشی و... باید مجهودات هنری خود را منضم به دعا و مناجات ادامه دهند، و بدانند که هنرها ابزار نیرومندی جهت خدمت به امر مبارک می‌باشند. همان هنرهایی که در موعد مقرر به اثمار بهیه خواهند نشست." (ترجمه) ۹ اوت ۱۹۸۳

"نامه مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۸۳ شما که برای کسب تکلیف در موضوع نمایش بصری شخصیت‌های مربوط به عصر رسولی امر بهائی است دریافت شد. بیت العدل اعظم مایلند بدانند که نه در دستورات حضرت ولی امرالله و نه در فرامین بیت العدل اعظم که رونوشت‌هایی از آن را شما در جوف نامه ارسال داشته‌اید معنی برای هنرمندان در به تصویردرآوردن حروف حی و فضاهای مربوطه و یا قیام ایشان در وقایع دقیقه تاریخی وجود ندارد، همان گونه که در نامه شخصی به تاریخ ۸ فوریه ۱۹۸۳ همراه نامه خود استناد کرده‌اید. مبرهن است که علاوه بر دقت در بزرگداشت، وقار شخصیت نفوس تصویر شده نیز واجد اهمیت فوق العاده است." (ترجمه)

۱۵ اکتبر ۱۹۸۳ به یکی از محافل روحانیه ملیه

"معماری در این زمان، مانند جمیع جنبه‌های مدنیت ما، یک دوران توسعه و ترقی سریع را طی می‌کند و از یک دهه تا دهه دیگر متحوّل می‌گردد. احدی نمی‌تواند مطمئن باشد بنائنی که اکنون به سبک جاری امروز ساخته می‌شود در نظر نفوسی که پنجاه سال دیگر زندگی می‌کنند نیز جمیل و شکیل جلوه نماید. لهذا، برای مرکز اداری جهانی امرالله، حضرت ولی محبوب امرالله سبک معماری کلاسیک یونانی را انتخاب فرموده‌اند. این سبک، سبکی پخته، معقول و بسیار جمیل است که مدّت دوهزار سال دوام آورده است. مع کلّ ذلک، صحیح نخواهد بود که نتیجه‌گیری کنیم سبکهای کلاسیک یونانی به طور اخصّ معماری بهائی هستند." (ترجمه)

دستخط مورخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۴ از قبل بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء.

"با مردود شمردن نظرات کوتاه بینانه نفوس متوسط، بگذارید اعلی مدارج تعالی را به هر نحوی که مایلند ارزیابی نمایند. شاید که مصمّم گردند جوی را که در آن حرکت می‌کنند، اعم از این که در حجرات مدرسه باشد یا تالارهای تحصیلات عالی، در محلّ کار باشد، یا در محلّ تفریح، در فعالیت‌های امری یا خدمات اجتماعی، متعالی سازند.

مسلماً، بگذارید در کمال اطمینان به استقبال مشکلات و معضلاتی بروند که در انتظار آنها است. جوانان امروز، با برخورداری از این تعالی و نیز

تواضع و فروتنی مناسب، با استقامت و استحکام و بندگی مشتاقانه و عاشقانه، باید به مدارج مقدّم جَرَف، مشاغل، فنون و صناعی که برای ترقی و تقدّم جامعه بشری مفید است حرکت کنند و اطمینان داشته باشند که روح امر الهی پرتو نورانی خود را بر جمیع این مواضع مساعی نوع انسان خواهد افکند.

مضافاً، در حالی که هدف آنها حصول تبحّر و کمال در مفاهیم وحدت‌بخش و فنون سریعاً در حال توسعه این عصر ارتباطات می‌باشد، می‌توانند و مسلماً باید انتقال آن دسته از مهارت‌های حافظ موفقیت‌های شگفت‌انگیز و حیاتی گذشته به آینده را تضمین نمایند. تحوّل که باید در عملکرد جامعه حادث شود مسلماً تا حدّ زیادی به کارآئی و تأثیرگذاری تمهیدات و تدارکات جوانان برای جهانی که وارث آن خواهند بود، بستگی خواهد داشت." (ترجمه)

دستخط مورخ ۸ می ۱۹۸۵ بیت‌العدل اعظم خطاب به جوانان بهائی عالم

"بیت‌العدل اعظم مایلند شما را در نوشتن کتاب خود تشویق کنند اما شما را به این بیان صریح حضرت ولی امرالله متذکّر می‌سازند که در این مرحله اولیه دور بهائی چیزی به عنوان هنر بهائی، موسیقی بهائی، معماری بهائی یا فرهنگ بهائی وجود ندارد. البته بدون تردید این جنبه‌های هنری در آینده به عنوان نتیجه طبیعی تمدن بهائی پدیدار خواهند شد. شوق وافر شخص حضرت ولی امرالله در چنین زمینه‌هایی هرگز نباید به عنوان شالوده ریزی

و بنیادگذاری جهت چنین تحولاتی به حساب آید... بنابراین شما باید توجه داشته باشید که چنین ابراز نکنید و یا زمینه این قبیل استنتاج را نیز فراهم نسازید که حضرت ولی محبوب امرالله اساس اولیه اشکال هنری بهائی را بنیان نهاده‌اند. ایشان حدائق و ابنیه زیبایی با استفاده از آنچه موجود بود احداث فرمودند و در مورد رو بنای مضجع حضرت باب متخصصینی را که می‌توانستند تحت هدایت ایشان خالق طرح‌های شایسته و مناسب باشند به این کار منصوب نمودند." (ترجمه)

۲۳ جون ۱۹۸۵

"در ارتباط با موسیقی و هنرهای زیبا شما آزادی که این مواضع را به عنوان مواضع درسی در مدارس بهائی بکار گیرید. بسیاری از سایر محافل روحانی که آگاهی دقیقی از آثار بهائی در ارتباط با موسیقی و هنر دارند چنین آموزش‌ها و مواد درسی را تا آنجا که در این مرحله از توسعه جامعه بهائی مقدور است بکار می‌گیرند. جهت تحریض، جمع‌آوری و نشر موسیقی مفیدی که اینک در حال پیدایش در عالم بهائی است و جهت استفاده از آن به طور منظم در مدارس، معلمین مستعد و علاقمند باید تلاش‌های فراوانی نمایند... طبق تعالیم امر الهی موسیقی و هنر باید مورد تشویق قرار گیرند زیرا به نحو قابل ملاحظه‌ای بر نشاط و روحانیت جامعه بهائی می‌افزایند." (ترجمه)

۲۰ اوت ۱۹۸۵ خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه

در خصوص استفاده از نمادگرایی^(۱) در هنر، منتخبات زیر از دستخط‌های معهداعلی خطاب به دو تن از یاران می‌تواند جوابی را که می‌خواهید به شما بدهد:

"هیچ معنی بر استفاده از پدیده‌های طبیعی به منزله نماد برای نمایش اهمیت طلعات مقدسه ثلاثه، احکام بهائی و نظم اداری دیانت بهائی مشاهده نمی‌کنیم و در عین حال استفاده از نمادهای تجسمی را جهت نمایش مفاهیم انتزاعی شایسته می‌دانیم و ارج می‌نهیم." (ترجمه) ۲۹ جولای ۱۹۷۱

"این استنباط شما صحیح است که به تصویر درآوردن حضرت باب و حضرت بهاءالله در آثار هنری ممنوع می‌باشد. حضرت ولی امرالله تصریح فرموده‌اند که این ممنوعیت درباره کلیه مظاهر مقدسه مصداق دارد. استفاده از عکس‌ها و شمایل حضرت عبدالبهاء در کتاب‌ها مجاز است ولی به هیچ وجه نباید آن حضرت را در آثار نمایشی، به عنوان یکی از شخصیت‌های نمایش به تصویر درآورد. به هر حال نسبت به ارائه نمادین چنین هیاکل مقدسه‌ای مخالفتی وجود ندارد مشروط بر آنکه به صورت رسم و آئین درنیاید و نمادی که مورد استفاده قرار گرفته خارج از قواعد ادب نباشد." (ترجمه)

۳ دسامبر ۱۹۷۲

"شما گهگاه توضیحات مکتوب و مشروح درباره نمادهایی که در نگارگری‌های خود از آنها استفاده می‌نمائید ارسال می‌کنید. در عمل این اقدام می‌تواند جنبه‌ای را بیان کند که ممکن است بیش از حد لزوم مبین دیدگاه بهائی تلقی شود و نهایتاً به جای تقویت مساعی، موجب تضعیف تلاش هنری شما گردد. نمادگرایی دستمایه هنر است. اما هنرمندان ندرتاً نمادهایی را که مورد استفاده قرار می‌دهند تعبیر می‌کنند و استنتاج را به عهده مخاطبان خود وامی‌گذارند و گاهی اوقات برای چنین مخاطبی رهنمودی جز آنچه از عناوین این آثار استنباط می‌شود وجود ندارد.

نام گذاری یک اثر هنری از اختیارات هنرمند است و تنها شرطی که در این مورد وجود دارد آن است که عنوان نامناسبی به اثری که برای بیان یک موضوع بهائی به وجود آمده داده نشود.

و اما درباره سؤال شما راجع به اینکه هنرمند "تصویری بیافریند که پرداخت جدیدی از یکی از نصوص مبارکه باشد"، بیت العدل اعظم معتقدند که تشکیلات بهائی نباید هنرمندان را از خلق انواع کارهای خوشنویسی که ارائه‌کننده آثار مقدسه یا اسم اعظم باشد بازدارند. اما، چنین مجهوداتی باید با سلیقه عالی انجام شوند و از شکل و صورتی برخوردار نباشند که اسباب تمسخر گردند. در ارتباط با نقش مرسوم و رایج اسم اعظم، بیت العدل اعظم توصیه می‌نمایند که دقت فراوان به عمل آید تا خوش نویسی زیان فارسی به نحو صحیحی ارائه گردد. زیرا هر گونه انحرافی از شکل پذیرفته شده خوشنویسی می‌تواند اسباب ناراحتی احبای ایرانی را فراهم آورد."

"تدبیری که بیت‌العدل اعظم در نهی از هر گونه تکثیر مجدد به قصد توزیع عکسهائی که از نقاشی‌هایی که از حضرت مولی‌الوری کشیده شده، اتخاذ نموده‌اند، به هیچ‌گونه قضاوتی در مورد کیفیت یک نقاشی اشاره تلویحی ندارد. در کیفیت خلاقیت و ذوق هنری که در خلق تصاویری از حضرت مولی‌الوری معمول گشته، تنوع وسیعی وجود دارد. بیت‌العدل اعظم مایل نیستند که در مورد یک نقاشی نسبت به نقاشی دیگر رجحانی قائل شوند؛ بلکه این سیاست کلی را اختیار می‌کنند که مطمئن گردند ادای احترام مناسب نسبت به تصاویر و شمایل حضرت عبدالبهاء معمول می‌گردد و توزیع نقاشی‌هایی که از کیفیت ضعیفی برخوردارند ابداً صورت نگیرد...

بیت‌العدل اعظم به طور اعمّ عقیده دارند که یکی از بزرگترین معضلاتی که بهائیان در همه جا با آن مواجهند معطوف کردن مجدد توجه اهل عالم به واقعیت روحانی است. نظر ما نسبت به عالم به نحو بارزی با نظر توده نوع بشر متفاوت است، چه که ما معتقدیم خلقت در بر گیرنده وجود روحانی و نیز وجود عنصری است و جهانی را که اکنون در آن هستیم صرفاً محملی برای ترقیات روحانی خود می‌دانیم.

این نظریه دارای اشارات و دلالاتی تلویحی به رفتار و سلوک بهائیان است و اعمال و افعالی را مطرح می‌سازد که کاملاً با سلوک متداول در جامعه خارج از جامعه بهائی مغایر می‌باشد. یکی از فضائل ممتاز و متمایزی که در آثار بهائی بر آن تأکید شده عبارت از احترام به مقدسات

است. چنین سلوکی برای نفوسی که دیدگاه آنها نسبت به عالم کاملاً مادی است، معنی و مفهومی ندارد، در حالی که بسیاری از پیروان ادیان رایج عالم آن را در حدّ مجموعه‌ای از آداب و رسوم عاری از احساسات واقعی روحانی تنزل داده‌اند.

در بعضی موارد، آثار مبارکه بهائی شامل هدایات دقیق در خصوص نحوه احترامی است که باید نسبت به اشیاء یا اماکن متبرکه معمول داشت، مانند محدودیت در خصوص استفاده از اسم اعظم روی اشیاء یا استفاده عام از صدای ضبط شده حضرت مولی‌الوری. در سایر موارد، از احباء خواسته می‌شود سعی کنند در خصوص مفهوم تقدس در تعالیم بهائی درک عمیق‌تری کسب نمایند و به این ترتیب بتوانند سلوک و رفتار خویش را که مبین رعایت احترام و حرمت می‌باشد، تعیین نمایند.

اهمیت چنین سلوک و رفتاری منبعت از اصلی است که در آثار مبارکه بهائی بیان شده است، که ظاهر تأثیر بر باطن دارد. حضرت بهاء‌الله در خصوص "حزب الله" می‌فرمایند:

"ظاهرشان عین باطن و باطن نفس ظاهر."^(۱)

با این معیار و بر این اساس است که بیت‌العدل اعظم مایلند شما مسائل مورد توجه را که در چند سال گذشته بیان شده، ملحوظ نظر داشته باشید. احتیائی که از موهبت استعداد هنری برخوردارند از موقعیت بی‌نظیری بهره‌مند هستند که، وقتی به مواضع امری می‌پردازند، از توانائی‌های خود

به نحوی استفاده کنند که شواهد تجدید روحانیت را که امر بهائی با احیاء مجدد مفهوم حرمت و تکریم مقدّسات به اهل عالم اعطاء کرده، برای نوع بشر واضح و مبرهن سازند.

سؤالات مربوط به حریت هنری به مواضعی که در اینجا مطرح شده مربوط نمی‌گردد. هنرمندان بهائی مختارند که استعداد خود را در هر موضوعی که مورد علاقه آنها است به کار ببرند. معهذاً، رجای واثق این است که آنها در ایجاد درک و فهم نسبت به تکریم مقدّسات به عنوان عاملی در جهت نیل به حریت حقیقی و سعادت ابدی، در یک جامعه ماده‌گرا، نقش رهبری را ایفا کنند." (ترجمه)

دستخط مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۷ از طرف بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از اجباء.

"بیت‌العدل اعظم از وقوف بر حصول موفقیّت شما در حرفه خود مسرور و خشنود هستند. معهداعلی توصیّه می‌فرمایند که این فعالیت حرفه‌ای را در زمینه خدمت به امر مبارک و ترویج امر و اعلام و ابلاغ امرالله مطمح نظر قرار دهید. توفیق شما در موسیقی شما را قادر می‌سازد که با بُعد وسیعی از نفوس تماس برقرار کنید و مآلاً با بیان و توصیف قدر و اهمیّت پیام حضرت بهاءالله در موسیقی خود، پیام مبارک را به ایشان ابلاغ و اعلام نمائید. همچنین، با گسترش حرفه خود می‌توانید در میان نفوس ذی نفوذ روابط دوستانه ارزشمندی نسبت به امر مبارک ایجاد نمائید... هنرمندان بهائی که در رشته انتخابی خویش از شهرت و آوازه مطلوبی برخوردار می‌شوند، و خویشان را همچنان وقف ترویج امر مبارک می‌نمایند، در حال حاضر، که

اشتیاق عامّه به اطلاع از تعالیم بهائی تدریجاً برانگیخته می‌شود، می‌توانند به امر مبارک مساعدت بی‌نظیری نمایند." (ترجمه)

دستخط مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۸ از طرف معهداعلی خطاب به دو تن از اجباء.

"استفاده از منتخباتی از آثار مبارکه جهت همراهی با آهنگ‌های تصنیف شده و نیز تکرار آیات یا کلمات، امری مجاز می‌باشد. منتخبات زیر از آثار مبارکه توضیحات بیشتری در این مورد را در اختیار می‌گذارد:

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "پس... به آوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل به آهنگی بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان بهیجان آید و تبّسّل و تضرّع به ملکوت ابهی کند." (۱)

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، «تردیدی نیست که ادعیه و قسمت‌هایی از الواح، "کلمات مکنونه" و امثال آن مناسب خواهد بود، اما ایشان معتقد نیستند که تلخیص هیچ قسمتی و به عبارت دیگر حذف یک بند یا یک دعا و مختصر ساختن آن به این ترتیب، مقرون به صلاح باشد.» (ترجمه) (۲)

در جواب به سؤالی که یکی از اجباء در خصوص تغییرات جزئی کلمات برای تصحیح لحن یا افزودن یک کلمه برای وزن کامل عبارت، مطرح ساخته

۱- مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۳

۲- نقل از تویق مورخ ۳ جولای ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از اجباء.

است، حضرت ولی امرالله چنین می‌فرمایند، "تغییرات جزئی در متن ادعیه مجاز است و من به شما توصیه می‌کنم موسیقی را با نفس کلمه نازله تنظیم کنید، زیرا معتقدم بی‌نهایت مؤثر خواهد بود. دعا می‌کنم که جمال محبوب شما را در حصول توفیق در این خدمت عظیم به امر مبارکش ملهم سازد." (ترجمه)^(۱)

و اما در مورد سؤالی که در خصوص تنظیم آیاتی از آثار مبارکه امری با آهنگهای موجود طرح کرده‌اید؛ با توجه به اینکه هیچ حق طبع یا محدودیت قانونی در این رابطه وجود ندارد، هر فردی باید در نظر داشته باشد که چنین قطعه‌ای از موسیقی ممکن است مواردی را در ارتباط با قطعه اصلی، اعم از شعر یا حالت، با خود همراه داشته باشد، و ممکن است با مقتضیات رعایت حرمت و تقدس آثار مبارکه منطبق نباشد." (ترجمه)

دستخط مورخ ۶ دسامبر ۱۹۸۹ از طرف بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از احباء.

"در تبیین و تجسم یک دعا به صورت حرکات موزون یا رقص، در صورتی که کاملاً حرمت و تقدیس دعا رعایت گردد، بلامانع است ولی مرجحاً نباید با قرائت کلمات مبارکه همراه باشد." (ترجمه)

دستخط مورخ ۴ ژانویه ۱۹۹۰ از طرف معهداعلی خطاب به یکی از احباء.

۱- دستخط حضرت ولی امرالله در حاشیه توفیق مورخ ۸ آپریل ۱۹۳۱ از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از احباء.

"بیت‌العدل اعظم از وقوف بر فعالیت‌های تبلیغی شما و اخلاص و ایثار شما نسبت به امر مبارک علیرغم معضلات و مشکلاتی که به عنوان یک موسیقیدان متحمل شده‌اید، مسرور و مشعوفند. و اما در خصوص سؤال شما، بدیهی است که تعالیم بهائی سوء رفتار نسبت به موسیقیدانان یا سایر هنرمندان را نمی‌پذیرد، و از هنرمندان انتظار ندارد که خواست و اراده آزاد و اختیار خود را فدای امیال و اهواء یا حتی اعتقادات قوی سایر بهائیان نمایند. و اما در خصوص فشارها و مشکلاتی که بین تبلیغ امرالله توسط شما با استفاده از موسیقی و به موازات آن احتیاج شما به تأمین مالی خود بروز می‌نماید، پیشنهاد می‌شود که خود شما در این رابطه محدودیت‌هایی را وضع نمایید. فی‌المثل ما در توفیق مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء مرقوم شده است، هدایت زیر را مشاهده می‌کنیم:

"توصیه‌هایی که حضرت ولی امرالله در مورد تقسیم وقت خود بین خدمت به امر مبارک و ایفای سایر وظایف به شما فرمودند، توسط حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری به بسیاری از سایر احباء نیز شده است. این اقدام عبارت از توافقی بین دو آیه کتاب مستطاب اقدس است که یکی از آنها خدمت به ترویج امرالله را الزامی می‌سازد و دیگری هر فرد را به اشتغال به حرفه‌ای که مفید به حال جامعه باشد ملزم می‌نماید. حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود می‌فرمایند که عالی‌ترین شکل انقطاع در این یوم عبارت از

اشتغال به یکی از حرف‌های جهت تأمین معاش خود می‌باشد. بنابراین، یک بهائی خوب عبارت از نفسی است که حیات خود را وقف نیازهای مادی خود و نیز خدمت به امرالله نماید." (ترجمه)

دستخط مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۰ از طرف معهداعلی خطاب به یکی از اعیان.

"تمایل قلبی شما به استفاده از تئاتر به عنوان وسیله‌ای برای اتساع نطاق امرالله در میان خلق قابل تحسین است و امید معهداعلی چنان است که مساعی مخلصانه شما در این مضممار موجب رضایت خاطر شما و حصول منافع جامعه گردد؛ معهدا، همانطور که خود شما اظهار داشته‌اید، بر مشکلات و معضلات بالقوه، در بذل مساعی جهت اجرای تئاتر بهائی، در این ایام و در جوی از عدم بردباری که در مملکت شما رواج دارد، کاملاً واقف هستید، و لذا ضرورت می‌یابد که نمایشنامه‌هایی خلق نکنید که موجب تحریک مخالفت عامه ناس یا خشم و غضب مرتجعین مذهبی گردد." (ترجمه)

دستخط مورخ ۹ آوریل ۱۹۹۰ از طرف معهداعلی خطاب به یک محفل روحانی ملی.

"رقص‌های سنتی که در ارتباط با بیان‌های فرهنگی می‌باشد در حضائر قدس مجاز است. به هر حال باید در نظر داشت که چنین رقص‌های سنتی همیشه واجد یک مضمون و یا داستان درونی است که به مخاطبان منتقل می‌شود. باید توجه داشت که مضامین چنین رقص‌هایی با معیارهای والای اخلاقی امر الهی هماهنگ باشند، نه تصویرهایی که غرائض پست و شهوات

نالایقه را برانگیزانند.

و اما درباره رقص‌های طراحی شده و تنظیم شده که هدف آنها تأیید و اعلان اصول دیانت بهائی است، اگر به روشی انجام شوند که بتوانند نشان دهنده شرافت چنین اصولی باشند و احترام و تکریم مخاطبان را برانگیزند، البته مورد تأییدند. در مورد رقص‌هایی که بخواهند بیانگر آثار الهی باشند نیز منعی وجود ندارد، اما مرجح است که حرکات این رقص‌ها همزمان با تلاوت کلمات الهیه اجرا نگردد.

اصلی که باید راهنمای یاران الهی در ملاحظات ایشان در ارتباط با این مسائل باشد، رعایت اعتدال در همه آن چیزهایی است که مرتبط با پوشاک، زبان، تفریح و همه نمادهای ادبی و هنری می‌باشد." (ترجمه)

۲۰ ژوئن ۱۹۹۱، به یکی از محافل روحانیه ملیه

"البته در زمینه استفاده از عبارت "هنرمند بهائی" هیچ منعی وجود ندارد ولی در این مقطع زمانی از دور بهائی ما نباید عبارت "هنر بهائی"، "موسیقی بهائی" و یا "معماری بهائی" را بکار ببریم." (ترجمه)

۱۲ مارس ۱۹۹۲

"داستان بلند به عنوان یک واسطه، آزادی زیادی را به مؤلف عرضه می‌دارد تا آراء و زمینه‌های فکری را که تاکنون مکتشف نشده است، شرح و بسط دهد. معهدا اگر امر مبارک و تعالیم آن در داستان بلند صریحاً بیان گردد، باید دقت نمائید که از تعبیر و توضیحاتی که ممکن است نادرست

باشد پرهیز نمایید. از طرف دیگر اگر در داستان بلند هیچ ارتباط واضحی با امر مبارک وجود نداشته باشد، شما مختارید که از تخیلات خویش در مطالعه و اکتشاف هر نوع آراء و عقایدی که منشاء آنها اصول امر مبارک باشد، استفاده نمائید." (ترجمه)

دستخط ۱۵ فوریه ۱۹۹۴ از طرف معهداعلی خطاب به یکی از احباء.

"از یاران دعوت می‌شود در جمیع مساعی خویش برای حصول اهداف نقشه چهارساله، توجه بیشتری به استفاده از هنرها، نه تنها برای اعلام امرالله، بلکه برای توسعه و تحکیم نیز معطوف نمایند. هنرهای تجسمی و نمایشی و ادبیات نقش عظیمی را در توسعه نفوذ امر مبارک ایفا کرده‌اند و می‌توانند ایفا کنند. در سطح هنر مردمی این امکان را می‌توان در هر نقطه‌ای از جهان، اعم از قصبات، بلاد یا شهرها، تعقیب نمود. حضرت ولی امرالله به هنرها به عنوان وسیله‌ای برای جذب و جلب توجه به تعالیم مبارکه، امید زیادی داشتند. توفیقی که از طرف هیکل اطهر به یکی از احباء مرقوم شده است، نظر آن حضرت را چنین بیان می‌دارد: یومی فراخواهد رسید که امرالله مانند شعله آتش سرکش، گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و تعالیم امرالله بر روی صحنه یا به طور کلی در قالب هنر و ادبیات عرضه خواهد گردید. هنر به مراتب بهتر از استدلال سرد و بی‌روح به خصوص در میان توده مردم می‌تواند احساسات و عواطف متعالیه و شریفه را بیدار نماید." (ترجمه)

پیام مورخ ۲۱ آپریل ۱۹۹۶ بیت‌العدل اعظم خطاب به احبای عالم.

"در بسیاری از نواحی توجه کافی به تعلیم و تربیت اطفال مبذول نشده است. برنامه‌های به مراتب وسیع‌تری در ممالکی که این نیاز وجود دارد باید به مرحله اجرا درآید که تضمین نماید اطفال بهائی تحت پرورش قرار می‌گیرند، به کسب اذهان تعلیم دیده تشویق می‌شوند، با معرفتی سلیم نسبت به تعالیم الهی روشن می‌گردند، کاملاً مجهز می‌شوند که در امور امریه در جمیع سطوح مشارکت داشته باشند و در هنرها، صنایع و علوم لازم برای ترقی و تقدّم مدنیت اشتراک مساعی نمایند. چنین برنامه‌هایی، وقتی که استفاده از آن برای جمیع اطفال، اعم از بهائی و غیربهائی، میسر باشد، وسیله‌ای قوی و مؤثر برای توسعه نفوذ سودمند پیام حضرت ولی امرالله در جامعه‌ای بزرگتر و وسیع‌تر خواهد بود." (ترجمه)

پیام مورخ ۲۱ آپریل ۱۹۹۶ بیت‌العدل اعظم خطاب به احبای استرالیا

شماره صفحه جزوه	نام کتاب مرجع و صفحات
۱	لوح ابن ذئب صص ۲۱-۲۰
۱	ادعیه محبوب ص ۴۷۳
۲	اشراقات صص ۱۵۳ و ۱۵۴
۵۹	اشراقات صص ۱۵۳ و ۲۰۳
۶۸	اشراقات ص ۱۵۳
۱۱۱	اشراقات ص ۱۳۷
۲ و ۷۱ و ۷۲	دریای دانش (لوح مقصود ۲۱ و ۲۲)
۱۴	دریای دانش ص ۱۰۳
۵۹	دریای دانش ص ۲۱
۴	مجموعه نصوص تربیتی ص ۱۳
۵	مجموعه نصوص تربیتی ص ۲۸
۷	مجموعه نصوص تربیتی صص ۲۰-۱۸
۹	مجموعه نصوص تربیتی صص ۴۲-۴۱
۱۰	مجموعه نصوص تربیتی صص ۵۴ و ۵۲ و ۵۰ و ۴۵ و ۵۸
۵۸	مجموعه نصوص تربیتی ص ۱۳
۶۱ و ۶۲	مجموعه نصوص تربیتی صص ۲۵ و ۵۰ و ۵۲ و ۵۴
۵	منتخباتی از مکاتیب ج ۱، ص ۱۰۷
۹ و ۱۱	منتخباتی از مکاتیب ج ۱، صص ۷-۱۳۶
۸	منتخباتی از مکاتیب ش ۱۲۷، ص ۱۴۱
۶۳	منتخباتی از مکاتیب ش ۱۲۷، ص ۱۴۱ و ج ۱، ص ۱۴۱
۵	جزوه تحقیق و تتبع، ص ۳۱

شماره صفحه جزوه	نام کتاب مرجع و صفحات
۵	رساله مدنیه صص ۱۳۲-۱۳۱
۷	گنجینه حدود و احکام، ص ۷۵
۶۰	گنجینه حدود و احکام، ص ۷۵
۷۸ و ۷۹	گنجینه حدود و احکام، ص ۱۹۵
۸۰	گنجینه حدود و احکام، ص ۱۹۴
۱۲	مجموعه الواح حضرت عبدالبهاء ج ۲ - ۹ و ۴۴۸
۱۲	جزوه تحقیق و تتبع (فوریه ۹۵) ۶-۷
۱۵	طرازا / طراز ششم
۱۵	منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله چاپ آلمان ش ۸۲ - ص ۱۰۸
۷۶	منتخباتی... ص ۹۶ و ۱۰۸
۱۵	مفاضات، ص ۱۶۵
۱۶	مفاضات، ص ۱۹۰
۸۳	مفاضات، ص ۱۶۵
۱۶	خطابات مبارکه ج ۱، ص ۱۲۹
۱۶	خطابات مبارکه در پاریس
۷۰ و ۳۱ و ۷۶	کتاب اقدس (بند ۵۱)
۴۸	کتاب اقدس (بند ۳۱)
۷۶	کتاب اقدس (بند ۱۱۶)
۳۱	ظهور عدل الهی (۶۰)
۴۹	بهاءالله و عصر جدید (چاپ اول ۱۹۳) (چاپ برزیل ۲۱۱)

مجموعه نصوص تربیتی

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۴	۱۳
۵	۳۸
۷	۱۸-۲۰
۹	۴۱-۴۲
۱۰	۵۴ و ۵۲ و ۵۰ و ۴۵ و ۵۸
۵۸	۱۳
۶۱ و ۶۲	۳۵ و ۵۲ و ۵۴
۸۱	۵۲

لوح ابن ذئب

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱	۲۰-۲۱

ادعیه محبوب

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱	۴۷۳

جزوه تحقیق و تتبع

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۵	۳۱
۱۲	۶-۷

شماره صفحه جزوه	نام کتاب مرجع و صفحات
۵۰	اعلان صلح عمومی ۱۹۸۲ - ص ۷۱
۵۹	آیات الهی ج ۱، ص ۳۳۸
۶۱	نجم باخترج ۱۱۹/شماره ۷/ص ۲۱۹
۱۰۵	پیام ۸ می ۱۹۸۵ (خطاب به جوانان بهائی عالم)
۷۳	پیام ۱۹ آگوست ۹۸
۹۷	پیام ۲ جولای ۶۷
۱۰۱	پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ (خطاب به احبای ایرانی سراسر عالم)
۷۷	لوح مقصود، ص ۲۴
۷۸ و ۷۹	مکاتیب ۵، ص ۲۰۶ و ۲۰۵
۷۸ و ۷۹	امر و خلق ۳/۳۶۴
۸۰ و ۱۱۳	مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی، ۳
۸۳	مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۶۰
۹۰ و ۹۲	مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی، ص ۱۳
۸۱	آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۵۲
۸۶	ظهور عدل الهی، ص ۶۳-۶۴
۴	

اشراقات

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۲	۱۵۳ و ۱۵۴
۵۶	۱۵۳ و ۲۰۳
۶۸	۱۵۳
۱۱۱	۱۳۷

گنجینه حدود و احکام

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۷	۷۵
۶۰	۷۵
۷۸ و ۷۹	۱۹۵
۸۰	۱۹۴

منتخباتی از مکاتیب

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۵	ج ۱، ۱۰۷
۹ و ۱۱	ج ۱، ۷-۱۳۶
۶۳	ج ۱، ۱۴۱
۸ و ۶۳	ش ۱۲۷، ص ۱۴۱
۷۸ و ۷۹	ج ۵، ۲۰۵ و ۲۰۶

طرازات

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱۵	طراز ششم

دریای دانش

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۲ و ۷۱ و ۷۲	۲۱ و ۲۲
۱۴	۱۰۳
۵۹	۲۱

رساله مدنیه

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۵	۱۳۱-۱۳۲

مجموعه الواح حضرت عبدالبها ج ۲

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱۲	۹-۴۴۸

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله چاپ آلمان

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱۵	ش ۸۲، ۱۰۸
۷۶	۹۶ و ۱۰۸

مفاوضات

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱۵	۱۶۵
۱۶	۱۹۰
۸۳	۱۶۵

خطابات مبارکه

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱۶	ج ۱۲۹، ۱
۱۶	در پاریس

کتاب اقدس

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۴۸	بند ۳۱
۷۰ و ۳۱ و ۷۶	بند ۵۱
۷۶	بند ۱۱۶

ظهور عدل الهی

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۳۱	۶۰
۸۶	۶۳-۶۴

بهاء الله و عصر جدید

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۴۹	چاپ اول، ۱۹۳/ چاپ برزیل، ۲۱۱

اعلان صلح عمومی ۱۹۸۲

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۵۰	۷۱

آیات الهی

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۵۹	ج ۳۳۸، ۱

نجم باختر

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۶۱	ج ۱۹، شماره ۲۱۹، ۷

پیام های بیت العدل

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۷۳	۱۹ آگوست ۹۸
۹۷	۲ جولای ۶۷
۱۰۱	۱۰ فوریه ۱۹۸۰ (خطاب به احبای ایرانی سراسر عالم)
۱۰۵	۸ می ۱۹۸۵ (خطاب به جوانان بهائی)

عالم)	
لوح مقصود	
صفحه جزوه	صفحات مرجع
۷۷	۲۴

امر و خلق

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۷۸ و ۷۹	ج ۳، ۳۶۴

مستخرجاتی از آثار امری درباره موسیقی

صفحه جزوه	صفحات مرجع
۱۱۳ و ۸۰	۳
۸۳	۶۰
۹۰ و ۹۲	۱۳